

سرزندگی شهری مفهومی میان رشته‌ای! (واکاوی اصول، ابعاد و شاخصها)

سید مصطفی هدایت نژاد کاشی^۲

دکتر زهره هادیانی^۳

دکتر علی حاجی نژاد^۴

دکتر علی عسگری^۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

چکیده

امروزه سرزندگی شهری به عنوان یک پارادایم جامع با گستره‌ی محتوایی متنوع، در مباحث گفت‌وگو برنامه‌ریزی شهری و سیاست، جهت بهبود وضعیت و ارتقای شرایط زیستی توجه و ملاحظات خاصی را به دست آورده است. لذا مقاله حاضر به عنوان یک تحقیق تحلیلی با بررسی رویکردهای مختلف در حوزه‌ی سرزندگی شهری سعی بر آن دارد، ضمن تحلیل رویکردهای سرزندگی، با دیدگاه یکپارچه (به دلیل ماهیت علم جغرافیا) به ارائه مدل مفهومی منبعث از آن برای بستر سازی پژوهش‌های آتی مبتنی بر این مفهوم بپردازد. در همین راستا، مقاله حاضر که به لحاظ هدف بنیادی و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای و اسنادی فراهم آمده است در پی پاسخ به این سوالات بوده است که: عوامل موثر بر سرزندگی شهری در چارچوب سیستم‌های ارزیابی رویکردها (روانشناسی، محیطی، اجتماعی، کارکردی و پایداری) کدامند؟ و نیز اینکه: چه ارتباطی بین ابعاد و عناصر اصلی سرزندگی شهری وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش بیانگر این است که سرزندگی شهری کیفیتی ویژگی ذاتی و مبتنی بر محیط نبوده و به عنوان رخدادی اجتماعی- فضایی، نتیجه یک روند دراز مدت از رضایت کاربران در فضاهای شهری است، که در تعامل شهر و شهروند در میان چندین لایه عملکردی در گستره‌ای زمانی شکل می‌گیرد. از اینرو سرزندگی شهری علی‌رغم رویکردی چندگانه با تفسیرهای متفاوت، نشان دهنده سکانسهای فضایی متنوع با یک تفکر جامع از زیست پذیری شهری و تعابیر لازم از ویژگی های فضایی است که مجموعه‌ای از شاخصهای موجود با یک رویکرد شفاف مکانی را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: سرزندگی، روانشناسی مثبت‌گرا، رویکردهای اجتماعی و کارکردی، پایداری، فضای سرزنده

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای سید مصطفی هدایت نژاد کاشی تحت عنوان: تبیین و ارائه ی الگوی فضایی- کالبدی موثر بر سرزندگی اجتماعی با رویکرد توسعه پایدار (محدوده مورد مطالعه: مناطق تهران) از دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۳ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۴ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان ahajinejad@gmail.com

^۵ دانشیار برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه یورک تورنتو، کانادا

۱- مقدمه

امروزه در دوره‌ای از تاریخ بشر زندگی می‌کنیم که شهرها به عنوان مغناطیس قدرت سیاسی و اقتصادی پدیده‌ای به نام "قرن شهری" را شکل داده‌اند (Borsekova, et, al, 2017, 1) و در آن شهرنشینی به یک آبر گرایش مسلط تبدیل شده است؛ طبق آمار سازمان ملل، امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان (۵۴ درصد) در مناطق شهری زندگی می‌کنند (Paul & Sen, 2018: 142) و این روند به سرعت به خصوص در کشورهای در حال توسعه در حال افزایش است^۱ (Liu, et al, 2017: 99)؛ با افزایش سرسام آور روند شهرنشینی، اغلب شهرها به خصوص شهرهای بزرگ، با مشکلاتی چون جدایی‌گزینی قومی، تفکیک کاربریها، جدایی محل کار از سکونت، فرسودگی و زوال محلات، افزایش ترافیک، ناهنجاریهای اجتماعی و اقتصادی، نابرابری در دسترسی به فرصتها و منابع مواجه هستند (علی اکبری و اکبری، ۱۳۹۶: ۲). که ادامه و پایداری چنین مشکلاتی، شهرها را به سمت شرایط بحرانی و حتی تخریب سوق می‌دهد (Zhang & Li, 2018: 141). از این رو وجود علمی که بتواند پدیده شهر و مسائل و مشکلات پیش آمده آن را در شکلی جامع و فراگیر مطالعه و بررسی کند، ضروری به نظر می‌رسد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۴). در این میان دانش جغرافیا به عنوان هنر و علم استفاده از زمین از جامعیت خاصی برخوردار می‌باشد و محتوای آن به نسبت عمق ارتباطی که با محیط شهر و ساکنان آن دارد بسیار گسترده است. این دانش به دلیل پویایی و ماهیت میان رشته‌ای آن پیوسته در ارتباط و بهره‌گیری از رشته‌های مختلف علمی جهت ارتباط بیشتر انسان با محیط شهری و حل مسائل و مشکلات شهری در ابعاد مختلف می‌باشد. از این رو، امروزه در جغرافیا رهیافتهای گوناگونی از جمله پایداری، کیفیت زندگی، رشد هوشمند، نوشهرگرایی و سرزندگی و ... برای برون رفت و مواجهه با مشکلات شهرنشینی مطرح شده است. هرچند رهیافتهای یادشده در پرداختن به رضایت افراد، ارزیابی ساکنان از محیط، امنیت، بهداشت، کیفیت مکان، محبوبیت عمومی و سیاستگذاری، لایه‌های همپوشانی زیادی با یکدیگر دارند (Ghasemi et.al, 2018: 382). یکی از این رهیافت‌ها جهت حل مشکلات در فضاهای شهری در سطوح اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی "سرزندگی" می‌باشد. پارادایمی که در آراء بسیاری از نظریه پردازان روانشناسی و مسائل شهری مورد توجه قرار گرفته است (Paul & Sen, 2018: 142). این مفهوم در ابتدا تنها در میان ادبیات عامه جای داشت و منظور از آن، دارا بودن روحیه‌ای با نشاط در جان و کالبد بود. لذا نخستین برخورد علمی با سرزندگی، در علوم اجتماعی و انسانی در سال ۱۹۶۰ رخ داد، و در فاصله زمانی اندک (تقریباً یک دهه) در چکیده مقالات بین المللی معماری و روانشناسی درج شد و به صورت جدی، موضوع تحقیقات در این حوزه‌ها قرار گرفت. هر چند علی‌رغم مطالعه گسترده سرزندگی در مراجع حرفه‌ای و حوزه‌های علمی، هیچ چارچوبی نظری واحد

^۱ پیش بینی می‌شود درصد شهرنشینی جهان تا سال 2050 به ۷۵ درصد (۶,۴ میلیارد نفر) برسد.

جهت مفهوم سازی این واژه وجود ندارد. زیرا روانشناسان با معادل قرار دادن سرزندگی با "بهزیستی ذهنی" و رضایت از زندگی، آن را وجودی سرشار از انرژی مثبت روانی معرفی می‌کنند که بر زندگی خوب و مطلوب به لحاظ ذهنی متمرکز است (کائینی، ۱۳۹۴: ۱۰). در حالی که در معماری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری این مفهوم به دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با کیفیت زندگی اشاره دارد. به عبارتی سرزندگی در این دیدگاه، مفهومی اجتماعی- فضایی است که در تعامل شهر و شهروند شکل می‌گیرد، که نشان از پویایی و جنب و جوش حیات هر روزه شهروندان در ارتباط با بستر سکونتشان است و این ارتباط دائمی (بین شهر و شهروند) در قالب انباشت تجربیات شهری و ایجاد حس تعلق به محیط های شهری است (نصری و حسنجانی، ۱۳۹۶: ۳۹ و ۴۰). برای همین عده‌ای از طراحان و برنامه ریزان شهری معتقدند، سرزندگی فضای شهری پدیده ایی مرتبط با چشم‌انداز آینده شهر است. از این رو سرزندگی در ارتباط با دسترسی به زیر ساختها و معیارهای زیست محیطی و بیولوژیکی تعریف می‌شود (9: de Koe, 2013). در این خصوص بسیاری از طراحان و برنامه ریزان شهری از جمله کوپین لینچ، در ارزیابی کیفیت فرم فضای شهری، سرزندگی را به عنوان معیار اصلی قلمداد می‌کنند، که به عنوان یک زیستگاه (بعد مورفولوژی شهر) مشخص، از کارکردهای حیاتی (بعد عملکردی شهر) و نیازهای بیولوژیکی، ظرفیت های انسانی (بعد اجتماعی شهر)، و چگونگی نگهداری و استمرار فضاها حمایت می‌کند. بنابراین، سرزندگی شهری نتیجه یک روند دراز مدت از رضایت کاربران در فضاهای شهری است که کاربران، مصرف کنندگان و سرمایه گذاران خصوصی با ایجاد انگیزه و خشنودی در مکانهای عمومی و خصوصی محیط شهری نقش مهمی ایفا می‌کنند (99: Jin, et.al, 2017). همچنین بر طبق اظهارات دی بویس (۲۰۱۰) یک شهر سرزنده نه تنها توانایی تسهیل تغییرات کالبدی- فضایی شهر را در سراسر زمان دارد بلکه این روند را در طول زمان نگه میدارد، و ارتباط اقتصادی اجتماعی موثری بین عرضه کنندگان و کاربران شهری برقرار می‌کند که به تکامل تدریجی محیط شهری می‌انجامد (9: De Koe, 2013). علاوه بر این، ترکیبی از گروه‌های اجتماعی - اقتصادی در شهر نیز اهمیت ویژه ایی در سرزندگی دارند. زیرا که، با ترکیبی از هر دو جنبه، امکانات بیشتری قابل بهره برداری است و در نتیجه شهر توسعه می‌یابد که به نوبه خود باعث افزایش سرزندگی شهری می‌شود. به عقیده دی بویس سرزندگی شهری در ارتباط با تعاملات اجتماعی در فضاهای کالبدی نمود پیدا می‌کنند. تعاملاتی که موجب سرمایه گذاری هایی در واحدهای اقتصادی می‌شود. بنابراین سرزندگی با توسعه و تحول عملکردها کاملا مرتبط است، از این منظر، سرزندگی شهری ناشی از فرم شهری مطلوب، عملکردهای توسعه یافته مطلوب شهری و همچنین فعالیت‌های موثر شهری می باشد. پر واضح است که، تحت این شرایط مردم از "کیفیت زندگی" بالایی برخوردار خواهند شد. بنابراین سرزندگی، به عنوان یک پدیده شناختی- ادراکی، مفهومی اعم از فضای شهری بوده که به فضاهای؛ باکیفیت، مطلوب تر و جذاب تر اشاره دارد که توانایی انتخاب گزینه‌های بیشتری برای فعالیت‌های اجتماعی و همچنین جایگزینی برای مبادلات

فرهنگی را به همراه دارد (Jalaladini and Oktay, 2011: 665). لذا پژوهش حاضر تلاش می‌کند با معرفی سرزندگی به عنوان یک اصطلاح کلیدی و متداول در گفتمان عمومی و برنامه‌ریزی شهری جهان معاصر؛ به بررسی سرزندگی از رویکردهای مختلف بپردازد. زیرا بررسی از نگاه رویکردهای مختلف این امکان را می‌دهد تا ابعادی از موضوع را که هرگز مورد توجه قرار نگرفته است، مورد تحلیل قرار گیرند. بدین منظور پس از بررسی مفاهیم سرزندگی در فرآیند تبیین و شفاف سازی چارچوب نظری، گام بعدی پاسخگویی به سوالات می‌باشد. لذا سوال نخست که در چارچوب ارزیابی رویکردها قابل واکاوی است؛ به صورت ذیل قابل طرح است؛ عوامل موثر بر سرزندگی شهری در چارچوب سیستم های ارزیابی رویکردها (روانشناسی، محیطی، اجتماعی، کارکردی و پایداری) کدامند؟ و سوال بعدی اینکه؛ چه ارتباطی بین ابعاد و عناصر اصلی سرزندگی شهری وجود دارد؟ در پایان نیز مدلی مفهومی (الگویی تحلیلی) با توجه به مطالعات و استنتاج مبانی و دیدگاهها با هدف کمک به تبیین و بسط ادبیات نظری پژوهش های آینده ارائه شده است.

۲- پیشینه پژوهش

تاریخچه مفهوم سرزندگی شهری به دهه ۶۰ میلادی بر می‌گردد. به عبارتی مفهوم سرزندگی با کتاب جین جیکوبز (مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی) آغاز و در سال‌های میانه‌ی ۷۰ میلادی که نقطه عطف تحقیقات سرزندگی شهری از منظر روانشناسی محیطی محسوب می‌گردد تقریباً به اوج خود رسید. و تا سال ۲۰۰۳ حدود ۳۳۰۰ پژوهش در این باب انجام شد (Veenhoven, 2008: 176). لذا در ابتدا این دسته از محققان، سرزندگی را معادل (رضایت از زندگی)، (رفاه) و (سلامت روانی) در نظر می‌گرفتند که در ادامه با توجه به رویکردها و تخصص‌ها در دوره‌های زمانی مختلف، تعاریف و مفاهیم متعددی به خود گرفت. برای همین بسیاری از متخصصین رشته‌های مختلف این حوزه در پژوهش‌هایشان بر این امر تاکید دارند که سرزندگی واژه‌ی چالش برانگیزی است و باید با احتیاط^۱ از این واژه استفاده گردد. در ادامه به مهمترین و البته جدیدترین پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با موضوع تحقیق اشاره می‌گردد.

۲-۱- مطالعات خارجی

سونگ و لی^۲ (۲۰۱۵) در مقاله ای تحت عنوان «محیط مسکونی ساخته شده و فعالیت پیاده روی: شواهد تجربی سرزندگی شهری جین جیکوبز»، با هدف ارزیابی سرزندگی شهری با توجه به عوامل مورد تاکید جین جیکوبز به بررسی ارتباط بین فعالیت پیاده روی و واحدهای مسکونی ساخته شده در شهر سنول، پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل موثر بر سرزندگی شهری از

^۱Liveability is a minefield

^۲Sung & Lee

نگاه جیکوبز (اختلاط کاربری، تراکم افراد، بلوک‌های کوچک مقیاس، قدمت ساختمان، دسترسی و...) بر سرزندگی محیط مسکونی در شهر ستول موثر است.

کاشف^۱ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «سرزندگی شهری در میان مرزهای منظم و حرفه‌ای» با روش تحلیلی به ارزیابی حوزه‌های تئوریک مختلف تاثیر گذار بر بحث مربوط به مفهوم شهرهای سرزنده می‌پردازد. این تحقیق ساختارهای آکادمیک را از حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری و معماری همراه با شاخص‌های فرهنگی و شبکه‌ای که به رتبه‌بندی شهرها بر اساس استانداردهای زندگی، خدمات و جذابیت بین‌المللی می‌پردازد، در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و در نهایت به ساختارها، شرایط و فرآیندهایی که می‌توانند سرزندگی موقعیت‌های مختلف شهری را بهبود بخشند، اشاره می‌کند. هر چند که حجم عمده‌ای از این مقاله مرتبط با شهرهای آمریکای شمالی، اروپا و استرالیا است.

جین^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله «ارزیابی سرزندگی شهرها و شناسایی شهرهای متروکه در چین بر اساس داده‌های جغرافیایی» به بررسی و تصویرسازی شهرهای متروکه بر اساس نظریه سرزندگی شهری می‌پردازد. نتایج، یک پیشرفت چشمگیری از توسعه‌های مسکونی و شهرهای متروکه چین را نشان می‌دهد. شواهد نشان‌دهنده‌ی این است که شهرهای متروکه در مناطق تازه توسعه یافته چین در حال گسترش است. همچنین در شهرسازی مدرن چین که در قالب توسعه مجتمع‌های مسکونی خود را نشان داده است سرزندگی شهری دیده نمی‌شود، به طوریکه شهروندان با فضاهای بی‌روح و مرده شهری روبرو می‌شوند و تفاوت‌چندانی از لحاظ سرزندگی بین مناطق جدید و مناطق قدیم شهر وجود ندارد.

اوبراهام^۳ و زاکور^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی کاربرد نظریه سرزندگی در بهره‌برداری پایدار از منابع تجدیدپذیر» به بررسی ادبیات نظری سرزندگی جهت مدیریت پایدار منابع تجدیدپذیر می‌پردازد. پس از نتایج حاصل شده مبنی بر تجدیدنظر در مفاهیم اصلی نظریه سرزندگی، یک طرح کلی از عوامل را ارائه می‌کند و سپس این عوامل را با حوزه‌های پرکاربردی از جمله، اکوسیستم‌ها و زندگی انسان‌ها، تغییرات اقلیمی، جنگلداری و ... مطرح می‌نماید.

۲-۲- مطالعات داخلی

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۹۴) در طرحی پژوهشی «سنجش سرزندگی در فضاهای شهری (نمونه موردی: حد فاصل میدان تجریش و میدان قدس)» به شناسایی شاخص‌ها جهت خلق یک فضای شهری سرزنده می‌پردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که سرزندگی یکی از

^۱Kashef

^۲Jin

^۳Oubraham

^۴Zaccour*

مهمترین کیفیت‌های سازنده فضاهای شهری برای ارتقاء کیفیت فضاهای شهری و خلق مکان است. پس از بررسی و تحلیل داده‌ها آماری که میان استفاده‌کنندگان فضا مدل نهایی که از شاخص‌ها مؤثر بر ایجاد سرزندگی و نشاط محیطی است تبیین گردید. این مدل نشان داد، چه شاخص‌هایی در هر یک از نمایانگرهای محیطی بر بهبود کیفیت محیطی برای افزایش حضور و سرزندگی تأثیر دارند. در نهایت بر اساس مدل و نتایج تحلیل‌های به دست آمده، پیشنهادها در قالب هدف، راهبرد و سیاست مرتبط با هر نمایانگر، به منظور بهبود وضعیت خیابان با هدف ارتقا سرزندگی و حضورپذیری محیطی ارائه شده است.

احمدی (۱۳۹۵) در پایان نامه خود تحت عنوان «طراحی محور بهار جهت ارتقای کیفیت سرزندگی فضای شهری با رویکرد پیاده محوری» با روش توصیفی، تحلیلی، با این پیش فرض که دو عامل جذابیت و رضایت را باید به عنوان ملزومات اولیه سرزندگی یک فضای شهری در نظر گرفته شود به این نتیجه دست یافت که پیاده راه سازی خیابان بهار جنوبی تهران نه تنها منجر به حل بسیاری از مشکلات ترافیکی می‌گردد بلکه موجب دسترسی بهتر، زمینه ساز تجدید حیات مدنی، رونق اقتصادی و زیست‌پذیری این بخش از شهر می‌گردد. در این میان خیابان بهار با دارا بودن کاربری‌های سازگار، متنوع و متعدد و همچنین حضور گسترده‌تر افراد پیاده بهترین محور برای اجرای طرح پیاده راهسازی می‌باشند.

اخوان و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی تأثیر عوامل محیطی - کالبدی بر سرزندگی و کیفیت خیابان‌های شهری» با هدف شناسایی و ارزیابی عوامل محیطی مؤثر بر سرزندگی و تأثیر آن بر ادراک کاربران خیابان‌های مورد مطالعه در شهر ساری پرداختند. لذا نویسندگان به این نتیجه دست یافتند که میان کیفیت و سرزندگی خیابان‌های مورد مطالعه و مشکلات محیطی - کالبدی از قبیل روشنایی ضعیف و نامناسب، کف سازی نامناسب، پوشش گیاهی ناکافی و نامناسب، عرض کم مسیریاب، و ... رابطه معنی داری وجود دارد و در حقیقت، کیفیت و سرزندگی این خیابان‌ها، با افزایش این گونه مشکلات، کاهش می‌یابد؛ همچنین تحلیل ادراک کاربران خیابان نسبت به سرزندگی و کیفیت خیابان‌ها، نشان دهنده‌ی بالاتر بودن میزان سرزندگی در خیابان نادر در مقایسه با خیابان انقلاب است.

قربان پور و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با موضوع «ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر تقویت سرزندگی در مسیرهای پیاده شهری در پیاده روی علم الهدی شهر رشت» با روش توصیفی - تحلیلی با تکنیک سوات و مدل AHP به تدوین مدل مفهومی پژوهش با چهار معیار (کاربری و فعالیت، کالبدی، دسترسی و ارتباطات، اقلیمی و زیست محیطی) و ۱۶ شاخص پرداختند. نتایج پژوهش فوق نشان می‌دهد که راهبرد تجهیز محیط بر اساس اقلیم رشت در راستای افزایش حضور افراد در فضا رتبه‌ی اول و راهبرد افزایش پیوستگی حرکت پیاده رتبه آخر را دارد.

با بررسی و واکاوی پیشینه در رابطه با موضوع تحقیق، این جمع بندی حاصل گردیده است که پژوهش‌های صورت گرفته تاکید متفاوتی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی داشته‌اند و با پرداختن صرف بر یک یا دو بعد از جامعیت موضوع خارج گشته‌اند. از سویی دیگر بسیاری از پژوهش‌ها نیز توجه یکسانی بر متغیرهای سرزندگی (مکان، مردم و برنامه) نداشته‌اند و حتی در پژوهش‌هایی با عدم توجه به متغیرها خلاء تحلیل محتوایی را به دنبال داشته‌اند. با این حال مهمترین خلاء در تحقیقات صورت گرفته عدم برخورداری از پشتوانه نظری قوی تئوریک در رابطه با مفاهیم سرزندگی می‌باشد. لذا این مقاله با استفاده از دیدگاه بین رشته‌ای تلاش بر آن دارد تا مهم‌ترین ابعاد جنبه‌های سرزندگی شهری را در نظر بگیرد. برای نیل به این هدف از مفاهیم مولفه‌های مورد استفاده شده در ادبیات روانشناسی، معماری، طراحی، برنامه‌ریزی و نظرسنجی‌های رتبه‌بندی جهانی ضمن تأکید بر متغیرهای سرزندگی، جهت دستیابی به مدل مفهومی بهره‌مند شده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- سرزندگی (شهری)

اصطلاح سرزندگی در فرهنگ دهخدا حالت و چگونگی سرزنده و با نشاط بودن معنی شده است. در واژگان فارسی معادلاتی زیادی برای مفهوم سرزندگی استفاده می‌شود. کلماتی چون: " شادی، شادابی، نشاط، حس حیات و رضایت" از پرکاربردترین معادلات واژه سرزندگی هستند (Kooshali, et.al, 2015: 256). لذا سرزندگی کلید واژه ای میان رشته‌ای است که می‌تواند تعاریف متفاوتی در زمینه‌های مختلف داشته باشد (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۸). برای مثال در منابع شهرسازی، معماری و جغرافیا جهت تعریف لغوی سرزندگی از مفاهیمی چون "قابل تحمل بودن و نشاط" استفاده می‌شود (صمدی تودار، ۱۳۹۴: ۳۶) و در مفاهیم روانشناسی به عنوان یکی از تجارب درونی سرشار از انرژی معرفی می‌گردد که با احساس شادمانی ارتباط نزدیک دارد (کایینی، ۱۳۹۴: ۱۲). با این حال، رابرت کوان آرد دیکشنری شهرسازی، سرزندگی را مناسب برای زندگی و فراهم آورنده کیفیت زندگی مطلوب تعریف می‌کند. این اصطلاح به عنوان یکی از کیفیت‌های مهم سازنده فضاهای شهری است که در آراء بسیاری از نظریه پردازان مسائل شهری و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. (نصری و حسنخانی، ۱۳۹۶: ۳۹ و ۴۰)؛ (Jin, et.al, 2017: 99). جان روس (رئیس کمیسیون معماری و محیط مصنوع انگلستان) معتقد است برای ارجاع سرزندگی باید از واژه کیفیت زندگی (Quality of life) استفاده نمود. وی سرزندگی را "کیفیت زندگی بدانگونه که توسط مردم در فضای

^۱ منابع فارسی مختلف ترجمه های مختلفی از این واژه ارائه کرده اند. عده ای این واژه را معادل Liveliness و Vitality و عده ای (گلکار، پاکزاد، بهزادفر، نوروزیان ملکی و ... آن را معادل Livability (Liveability) می دانند.

شهری ادراک و تجربه می‌شود" تعریف می‌کند (Kooshali, et.al, 2015: 256). در مفهومی دیگر، با توجه به اصولی که هانری لنارد برای شهر سرزنده در کتاب سرزنده سازی شهرها، ارائه داده است، تعریف عملیاتی سرزندگی را با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی توصیف می‌کند و تعریف آن همانند جان روس در "کیفیت زندگی" تجلی می‌یابد. در صورتی که لندری (۲۰۰۰) سرزندگی شهری را یک قدرت و انرژی خام در شهر تعریف می‌کند که در صورت هدایت و تمرکز شهر به سمت یک هدف مشخص باشد، آن شهر به شهری سرزنده تبدیل می‌شود. همچنین، سرزندگی را می‌توان تحت عنوان (ظرفیت بقا یا تداوم یک زندگی معنادار و هدفمند و به عنوان توانایی لازم برای زندگی و رشد تعریف کرد این مفهوم به مفاهیمی عامه و نسبتاً مبهم همانند پایداری و زیست پذیری مرتبط می‌باشد. در تفسیری اجتماعی- اقتصادی از مفهوم سرزندگی سه خصیصه عمده قابل توجه است: (۱) جمعیت (۲) فعالیت اقتصادی (۳) امکانات در دسترس. بنابراین سرزندگی جامعه باید به عنوان عاملی که پیامدهای خاص اجتماعی، اقتصادی و محیطی را برای جامعه بار می‌آورد در نظر گرفته شود. در نهایت می‌توان گفت وجود یک محیط سرزنده برای برخوردار از آرامش ذهنی، سلامتی و عملکرد و همچنین موفقیت در دوره‌های متنوع زندگی از جمله موفقیت در زندگی شخصی و کیفیت شبکه‌های اجتماعی دارای اهمیت است (صمدی تودار، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۹). لذا با تفاوت تعاریف سرزندگی در جوامع مختلف برای روشنفکران، تعریف جدیدی از سرزندگی جامعه که چهار بعد اساسی را در ضمن معادله زیر می‌توان به آن اشاره داشت منعکس می‌سازد (Etuk, 2012: 4).

ظرفیت جامعه + پیامدهای مثبت اجتماعی + پیامدهای مثبت اقتصادی + پیامدهای مثبت محیطی = سرزندگی جامعه

گذر از مفهوم سرزندگی و رسیدن به ویژگیهای خاص جوامع سرزنده نیازمند افراد یا گروهی از افراد است که از دیدگاه خود و با توجه به خصوصیاتشان سرزندگی جوامع را مورد قضاوت قرار دهند. در راستای رسیدن به این هدف ابتدا به دیدگاه‌های موجود یا به عبارت بهتر به تلقی‌های متفاوت از حالت وجودی سرزندگی پرداخته می‌شود و سپس در بخش یافته‌ها با نگاه سیستمی و تحلیلی به تبیین رویکردهای موجود در نوشتار نظریه پردازان و متخصصانی که در زمینه سرزندگی شهری قلم فرسایی کردند پرداخته می‌شود.

۳-۲- حالت وجودی سرزندگی

در مورد کیفیت سرزندگی این پرسش را می‌توان مطرح کرد که آیا این کیفیت در خود فضا وجود دارد و یا اینکه کیفیتی است که در شهروند وجود دارد یعنی اساساً توسط شهروند ساخته می‌شود. به بیان دیگر حالت وجودی آن چیست؟ به طور کلی سه نوع تلقی متفاوت از حالت وجودی سرزندگی محیطی می‌توان داشت که مسلماً پذیرش هر یک از دیدگاه‌های سه گانه مزبور، الزامات خاص خود را برای برنامه ریزان به دنبال خواهد داشت (فضائلی، ۱۳۹۵: ۷۱).

دیدگاه نخست: بر مبنای این دیدگاه، اساساً سرزندگی شهری صفت و کیفیتی است که در ذات کالبدی و معماری، هستی داشته و به‌طور مستقل از ناظر وجود دارد. این دیدگاه به «جبریت محیطی» شهرت دارد و بر اساس آن محیط کالبدی مناسب جبراً به ایجاد سرزندگی شهری می‌انجامد (نوروزیان ملکی، ۱۳۹۲: ۱۹).

دیدگاه دوم: بر مبنای این دیدگاه سرزندگی شهری، مقوله‌ای ذهنی و سلیقه‌ای است که کاملاً توسط ناظر ساخته می‌شود و هیچ‌گونه ارتباطی با ساختار و خصوصیات محیط مصنوع ندارد. این دیدگاه به (امکان‌گرایی محیطی) موسوم است و بر مبنای آن هندسه محیط فاقد اهمیت تلقی شده و تنها ویژگی‌های روانشناختی و موقعیت اجتماعی اقتصادی ناظر است که محیطی را به عنوان محیط سرزنده و محیط دیگری را و یا همان محیط را در زمانی دیگر به عنوان محیطی افسرده طبقه‌بندی می‌نماید (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۱).

دیدگاه سوم: بر مبنای این دیدگاه، سرزندگی شهری پدیده‌ای ادراکی شناختی است که در جریان فرایند داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و قابل ادراک شهر از یک سو و الگوها و رمزه‌های فرهنگی، توانایی‌های ذهنی، تجارب قبلی و اهداف ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. این دیدگاه از دهه ۱۹۹۰ میلادی بر مسئله (تجربه انسانی) فضای شهری تاکید دارد و کیفیت طراحی شهری، از جمله سرزندگی را در رابطه با «تجربه و ادراک» انسان تعریف و ارزیابی می‌کند. بر اساس این دیدگاه که به (احتمال‌گرایی محیطی) و یا رویکرد تعاملی موسوم است، ابتدا محیط شهری خصوصیات و صفات کالبدی خود را در معرض دید و ارزیابی حواس ناظر قرار میدهد و سپس ناظر از آن محیط دریافته‌های گوناگونی به عمل آورده و نهایتاً آن را مورد ارزیابی و قضاوت قرار میدهد و صفت سرزندگی را به محیط الصاق می‌نماید (میردریکوند، ۱۳۹۳: ۱۱).

۴- روش تحقیق

این مقاله ضمن معرفی سرزندگی به عنوان یک پارادایم جامع که حوزه محتوایی آن از پیچیدگی خاصی برخوردار بوده؛ به بررسی رویکردها، ابعاد و ادبیات نظری با روش توصیفی پرداخته است. لذا به علت گسترده‌ی معنایی این مفهوم، رویکردهای متفاوتی چون؛ روانشناسی، محیطی، اجتماعی، کارکردی و رویکرد پایداری در مطالعه و بررسی آن جهت نیل به مدل مفهومی مورد استفاده قرار گرفته است، تا با پر کردن خلاء نظری در این زمینه، مسیر انجام پژوهش‌های کاربردی و پیمایشی هموار شود. با در نظر گرفتن این موضوع، تحقیق حاضر به لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ روش، غیر سیستماتیک- توصیفی با رویکرد تحلیلی- انتقادی می‌باشد. همچنین داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای - اسنادی فراهم آمده است و با انجام تحلیل محتوای کیفی داده‌ها، مولفه‌های تحقق‌پذیری رهیافت، استخراج گردیده اند.

۵- یافته‌های پژوهش

این مقاله با یک ارزیابی تحلیلی-مقایسه‌ای از نگاه انتقادی با ارائه رویکردهای متنوع بر اساس غنا و تنوع مفهومی در حوزه‌های روانشناسی، علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری و معماری از رویکرد سیستمی به دلیل ماهیت علم جغرافیا بهره مند شده است. لذا با توجه به سوال‌های مطرح شده در قسمت مقدمه به سوال اول در بخش رویکردهای مربوطه پاسخ داده خواهد شد و به سوال دوم نیز بخاطر ارتباط یکپارچه رویکردها در نگاه سیستمی با یکدیگر و رابطه تنگاتنگ عناصر اصلی سرزندگی، در قسمت مدل مفهومی تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

۵-۱- رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا^۱

سرزندگی به عنوان یک استعاره تأثیرگذار از علوم طبیعی وارد روانشناسی شده است. این مفهوم به شیوه‌های گوناگونی تعریف شده است و دارای ادبیات پیچیده و وسیعی به خصوص در روانشناسی رشد بوده است (خوشاب، ۱۳۹۵: ۱۴). امروزه این مفهوم به عنوان یکی از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی، در بسیاری از نظام‌های پژوهشی بهزیستی مطرح است^۲ (ریزوندی، ۱۳۹۵: ۶۰). در واقع سرزندگی یکی از ابعاد بهزیستی روانی است. مفهوم بهزیستی روانی ساختار پیچیده‌ای دارد که با عملکرد و تجارب عملی مثبت در ارتباط است. بهزیستی روانی شامل سه بُعد شادی، هدفمند بودن و سرزندگی است. این ابعاد در فردی تولید می‌شوند که نیازهای حیاتی وی مرتفع شده باشند. در چنین وضعیتی، افراد تهییج می‌شوند تا نشاط خود را حفظ کرده و به بینشی از سوی خودشان، زندگی‌شان و محیط دست یابند (سادات رضایی، ۱۳۹۳: ۳۹). به عبارت دیگر، از دیدگاه این رویکرد؛ سرزندگی، وجودی سرشار از انرژی مثبت روانی را نشان می‌دهد و یک فرد سرزنده و شاد، شخصی هشیار و تازه نفس و همچنین مملو از نیروی حیات است. همانطور که اشاره گردید، انرژی نقش اصلی را در سرزندگی ایفا می‌نماید (به جدول شماره (۱) رجوع گردد). لذا برای حفظ سرزندگی، بهره مند بودن از مقدار بهینه‌ای از انرژی، به ویژه انرژی ذهنی، لازم و ضروری است. به همین علت افراد باید تلاش زیادی برای کسب و بازسازی انرژی داشته باشند. مطالعات روانشناسان نشان می‌دهد که سرزندگی با سلامت روان و هیجانات مثبت مرتبط است و با نشانه‌های افسردگی، عواطف منفی، روان پریشی، دردهای بدنی، نشانه‌های فیزیکی، دردهای جسمی و مکان کنترل بیرونی ارتباط منفی دارد.

^۱ روانشناسی مثبت‌گرا مطالعه علمی عملکرد بهینه انسان بوده و هدف از آن کشف و ارتقاء عواملی است که به افراد، خانواده‌ها و جوامع کمک می‌کند تا پیشرفت کرده و شکوفا شوند. در حقیقت روانشناسی مثبت‌گرا، علم شادکامی و شکوفایی انسان است.

^۲ اهمیت توجه به این مسئله تا حدی است که امروزه درباره بهزیستی ذهنی شاخصهای ملی تهیه می‌شود.

همچنین رایان و فردریک^۱ (۱۹۹۷) دریافتند سرزندگی با عزت نفس بدنی، توانمندی فیزیکی، خود شکوفایی، رضایت از زندگی، عواطف مثبت، برونگرایی، وظیفه شناسی و اعتماد به نفس بدنی رابطه‌ی مثبت دارد. با این حال رینالک و بلانچارد^۲ (۱۹۹۷) بیان داشتند که افراد از نظر تجربه سرزندگی با هم متفاوتند. این تفاوت ها تابع تاثیرات جسمی (مثل بیماری) و عوامل روانشناختی (مثل عاشق شدن، احساس داشتن یک مأموریت یا حس موثر بودن) است. بنابر این حس سرزندگی بنا به تجارب فردی متفاوت است و بستگی به میدان تجارب افراد دارد، به همین دلیل دارای جنبه‌های پدیدار شناختی است و نیز چون همراه با شرایط روانشناختی و جسمی تغییر می‌کند، سرزندگی تغییر می‌کند. همانطور که پیداست سرزندگی متأثر از عوامل جسمانی و روانی است. بنابراین سرزندگی از رویکرد روانشناسان، به عنوان بالاترین نقطه‌ی سلامت و بهزیستی روانی، نقش مؤثری در سایر رویه‌های زندگی افراد دارد (سادات رضایی، ۱۳۹۳: ۴۴). (سامعی، ۱۳۹۲: ۷۴). لذا عوامل موثر بر سرزندگی^۳ از دیدگاه روانشناسان را به طور خلاصه می‌توان به صورت ذیل لیست کرد: هیجان (مثبت)، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های اوقات و فراغت، وضعیت اقتصادی، رضایت شغلی، سلامت، وضعیت تأهل و جنسیت (حسامپور، ۱۳۹۵: ۳۰-۲۳؛ محمد خانی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۴).

جدول شماره ۱: تعریف سرزندگی از دیدگاه روانشناسان

نام نظریه پرداز	سال	تعاریف
مورگان	۱۹۸۰	سرزندگی را موقعیت ذهنی در نیمرخ روانی به صورت کوه یخی توصیف میکند که در سطح بالایی آن، قدرت و سلامت ذهنی مثبت به صورت همزمان به چشم می‌خورد.
رایان و فردریک	۱۹۹۷	سرزندگی را انرژی که از درون شخص سرچشمه میگیرد معنا کرده‌اند. سرزندگی یک احساس انرژی از منبعی درونی است نه منتج از ویژگیهای خاص محیطی.
بوستیک	۲۰۰۳	سرزندگی را یک تجربه‌ی انرژی درونی وصف میکند که از خود شخص منبعث می‌شود و محیط و محدودیتهای آن در این حالت روانی دخالتی ندارد.
کانر و دیوید سون	۲۰۰۳	سرزندگی را قابلیت فرد در برقراری تعادل زیستی، روانی و روحی در مقابل شرایط مخاطره آمیز می‌دانند.
لوتار	۲۰۰۵	لوتار به فرایندی اشاره کرده است که افراد را قادر می‌سازد بر عوامل تنش زای زندگی خویش مهار داشته باشند. وی این فرایند را سرزندگی نامیده است. سرزندگی به زبان ساده عبارت است از سازش موفقیت آمیز فرد به رغم وجود تهدید و شرایط نامطلوب

^۱Ryan & Fredrich

^۲Rinak & Blanchard

^۳ بعضی از عوامل ذیل در منابع روانشناسی به عنوان عوامل موثر بر شادمانی ذکر می‌شود. اما از آن جایی که شادمانی و سرزندگی حالتی مثبت یا خوشایند هستند، و در زیر چتر عواطف مثبت جای می‌گیرند به یک گروه متعلق هستند. به بیان روشن تر، عواطف مرتبط با سرزندگی (مانند انرژی داشتن، فعال بودن، رضایتمندی) و شادمانی (مانند خرسندی، شادی، راضی بودن) نوعاً با هم رابطه‌ی زیادی دارند به نحوی که همگی می‌توانند به یک عاطفه‌ی مثبت متعلق باشند، اما از لحاظ "فعالیت" یا یکدیگر تفاوت دارند؛ از این لحاظ که سرزندگی، بودن در نوعی وضعیت مثبت و فعال است و با انرژی و فعالیت بالا مشخص و تعریف می‌شود، اما شادمانی لزوماً چنین مفهومی را در بر ندارد. هر چند شادمانی و سرزندگی، از لحاظ فضایی با هم رابطه‌ی نزدیکی دارند، اما آنچه که سرزندگی نامیده می‌شود در حالتی مثبت تر قرار می‌گیرد؛ بنابراین عوامل موثر بر شادمانی در وضعیت مثبت در حیطه عوامل موثر بر سرزندگی به شمار می‌روند.

محیطی.		
سرزندگی را ظرفیت بازگشت از چالش‌های اجتماعی، مالی و یا احساسی به تعادل مجدد می‌داند و بیانگر توانایی فرد، جهت‌سازش یافتگی مجدد در برابر غم، ضربه، شرایط نامطلوب و عوامل تنش‌زای زندگی است.	۲۰۱۱	رزنیک

منبع: مطالعات تحقیق، برگرفته از منابع محققان، ۱۳۹۷

۵-۲- رویکرد تجربی (محیطی)

رویکرد تجربی شامل اولین و گسترده‌ترین دیدگاه‌ها از آراء نظریه پردازانی است که روش‌های معمول را برای بیان مفهوم شهر خوب و اینکه چگونه می‌توان آن را سرزنده کرد تشکیل شده است. برای رسیدن به تعریف شهر خوب، و زیست پذیر از روش‌های گوناگونی چون بررسی‌های شخصی، روش‌های تجربی، مطالعات موردی و آزمون فرض و همچنین از نظرات، تجربیات و دیدگاه‌های شهری خود استفاده کرده‌اند (خزاعی نژاد، ۱۳۹۴: ۶۸-۶۷). میل به شرح و توصیف شهر خوب از طریق تحقیقات تجربی از اواسط دهه ۱۹۶۰ شروع شد. محققانی که روش‌های معمول و تجربی تحقیق در رابطه به سرزندگی شهری را برگزیدند، شامل معماران، طراحان شهری، شهرسازان، دانشگاهیان و نظریه پردازان شناخته شده‌ای بودند. این نظریه پردازان تمایل داشتند بر پایه تجربیات شخصی، مشاهدات، تحقیقات تجربی، نمونه‌های موردی و دانش روز دنیا، مکان‌های سرزنده را مفهوم سازی کنند. این رویکرد مبتنی بر تاثیر شرایط زیستی برای تحقق زندگی مطلوب است. که برای تحلیل عوامل محیطی، کیفیت و بهداشت محیط تاکید می‌کند. نظریه پردازان این رویکرد اذعان دارند که کیفیت محیط و محیط مسکونی ارتباط مستقیمی با عوامل سرزندگی دارد. در این رابطه عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و زیست محیطی مدنظر قرار می‌گیرد. شروع این اقدامات توسط کوین لینچ در دهه ۱۹۸۰ در موسسه تکنولوژی بود. لینچ در کتاب تئوری شکل شهر ۷ معیار را به عنوان محورهای اصلی و جامع کیفیت شهر معرفی می‌کند. که از منظر لینچ، سرزندگی باید به عنوان مهمترین معیار در ارزیابی کیفیت زندگی شهری در نظر گرفته شود. از دیدگاه وی این هفت معیار جامع عبارتند از: سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی، عدالت (Rezaporian, et.al, 2013: 142). لینچ سه خصوصیت اصلی محیط، که بر سلامتی و خصوصیات بیولوژیکی مطلوب تأثیر گذار هستند و به عنوان محورهای عملکردی سرزندگی محیط شهری تلقی می‌شوند را بطور خلاصه اینگونه برمی‌شمرد:

بقاء: وجود مقدار کافی مواد غذایی، سوخت، آب، و هوا و روش مناسبی برای دفع زباله (لینچ، ۱۳۹۴: ۱۵۳-۱۵۲).

ایمنی: لینچ در بحث ایمنی، سکونتگاه خوب را سکونتگاهی می‌داند در آن خطرات، سموم و بیماری وجود نداشته و یا تحت کنترل قرار گرفته باشد و بنابراین ترس از مواجه شدن با آنها به حداقل کاهش یافته باشد. از دیدگاه وی، محیط مطلوب باید از نظر کالبدی محیطی امن باشد. حصول ایمنی از دیدگاه لینچ شامل مسائلی همچون: آلودگی آب و هوا، مسمومیت غذایی، وجود

سموم، ریشه کنی بیماریها و ناقلین آنها، کاهش تصادفات جسمی، حفاظت در مقابل سوء قصد، جلوگیری از سیل و آتش سوزی و ... می‌باشد (XU, 2014: 27).

سازگاری: در این مبحث لینچ به سازگاری بین محیط فضایی با ساختار اصلی بیولوژیکی انسان، حرارت و عملکرد داخلی بدن اشاره دارد. همچنین به هماهنگی عناصر و اجزاء محیط با آهنگ موزون بدن نیز اشاره می‌کند. نظیر پله، در و شیبها باید با اندازه و توانایی انسان یعنی با خصوصیات چگونگی، دسترسی، پیوستگی، راحتی، دید و قدرت بلند کردن منطبق باشند تا زمینه و بستر استفاده فعال بدن را ترغیب نماید بطوری که هیچ بخش از بدن به خاطر عدم تحرک، تغییر شکل ندهند (لینچ، ۱۳۹۴: ۱۵۵-۱۵۷-۱۵۶).

بنابراین، لینچ در مبحث سرزندگی تاثیر فرم شهر را بر چگونگی تداوم عملکردهای حیاتی و ارضای نیازهای بیولوژیکی انسانها بررسی می‌کند و در این راستا به سه اصل ادامه بقاء، برخورداری از ایمنی و سازگاری میان انسان و محیط زندگی اشاره می‌کند. لینچ سرزندگی را به عنوان یکی از ابعاد عملکردی طراحی شهری مشخص ند و آن را به عنوان معیاری توصیف کرده که از عملکردها، الزامات بیولوژیکی و ظرفیت‌های انسانی پشتیبانی می‌کند. از دیدگاه وی سرزندگی میزان موفقیت اجتماعی فضای شهری را نشان می‌دهد (Jalaladdini & Oktay, 2012: 666). از سوی دیگر دونالد اپلپارد در سال 1981 در تحقیقی با عنوان خیابان‌های سرزنده در سن فرانسیسکو به دنبال ارتباط سرزندگی محله با میزان ترافیک و رفت و آمد در خیابان‌های مختلف بود. اپلپارد یکی از اولین استفاده کنندگان از اصطلاح سرزندگی برای کاربرد در زمینه‌های فضایی خاص بود که نشان داد ویژگیهای فیزیکی خاص می‌تواند باعث سرزندگی مکان گردد (قربان‌پور، ۱۳۹۷: ۱۰۶)؛ (جدول شماره ۲). هر چند این رویکرد با تاکید بر معیارهای بیولوژیکی و زیست محیطی، عواملی نظیر مسائل اجتماعی و فرهنگی را که به اندازه عوامل اکولوژیکی دارای اهمیت هستند کاملاً نادیده می‌گیرد.

۵-۳- رویکرد اجتماعی

این روش ابتدا توسط دانشمندان علوم اجتماعی که به دنبال ایجاد شاخص‌های اجتماعی برای اندازه گیری و مقایسه کمی مفاهیم مختلف سرزندگی، زیست پذیری و کیفیت زندگی بودند استفاده شده است. البته باید گفت مطالعه شاخص‌های اجتماعی از اواخر قرن نوزدهم شروع شد اما در قرن بیستم و به خصوص در امریکا و در دهه ۱۹۵۰ در اروپا به اوج شکوفایی رسید و در دهه ۱۹۶۰ تولدی دوباره یافت (خزاعی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۷۰). هرچند در بحث سرزندگی شهری شروع این اقدامات توسط جین جیکوبز در دهه ۱۹۶۰ بود که به درک ماهیت واقعی شهرها منتج شد (Sung & Lee, 2015: 318). بر طبق نظرات جیکوبز، اصول و اهدافی که برنامه‌ریزی شهری را شکل داده است توانایی تحلیل عملکرد شهرها را در زندگی واقعی ندارند. برای جیکوبز، شهرها سیستم‌های

پیچیده‌ایی هستند که تنوع و کاربرد زیست محیطی که به طور متقابل یکدیگر را چه از لحاظ اجتماعی و چه اقتصادی حمایت می‌کنند، محدود می‌کند. سنت مسلط در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، بر طبق نظرات جیکوبز، در کسب تنوعی که به پایداری سرزندگی شهری بیانجامد، شکست خورده است (Palacio, 2015: 680). او در اثر کلاسیک خود "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" (۱۹۹۳، ۱۹۶۱)، چهار شرط اصلی را برای پویایی و سرزندگی شهر طرح می‌کند:

۱. منطقه و هر تعداد از بخش‌های درونی ممکن آن باید در خدمت بیش از یک و ترجیحاً بیش از دو کارکرد اصلی باشند. (ضرورت اختلاط کاربری‌های اصلی) (Sung & Lee, 2015: 319; Shrestha, 2011: 19).

۲. غالب بلوک‌ها باید کوتاه باشند. این گونه، خیابان‌ها و فرصت‌هایی که در کنج‌ها قرار می‌گیرند، تناوب پیدا می‌کنند. (ضرورت توجه به بلوک‌های کوچک). جیکوبز از خیابان‌های بلوک‌های بزرگ به عنوان خیابان‌های گمشده یاد می‌کند و اشاره می‌کند، مناطق شهری‌ای موفق یا جذابند که خیابانها دقیقاً برای ناپدید شدن ساخته نشده اند. (Wendt, 2009: 11).

۳. منطقه باید ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد (Shahidipour, 2015: 40)، که نسبت خوبی از ساختمان‌های قدیمی را شامل شود (ضرورت ساختمان‌های سالخورده). جهت رشد مناطق و خیابان‌های کارآمد، اختلاط بهتر از تنوع مخصوصاً در تجارت، به ترکیبی از ساختمان‌های قدیمی نیازمند است.

۴. منطقه باید دارای تراکم فشرده کافی از مردم، صرفنظر از علت حضورشان باشد. این شامل مردم مقیم نیز می‌شود (Palacio, 2015: 680). (Verissimo, 2016: 6-8)، (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۱۵۲-۲۲۹).

از سوی دیگر به زعم گهل^۲ (از نظریه پردازان رویکرد اجتماعی)، جهت افزایش فعالیت‌های اجتماعی کیفیت محیط باید ارتقا یابد. به نظر یان گهل بین کیفیت محیط و فعالیت‌ها در فضاهای عمومی ارتباط دو سویه‌ای وجود دارد. زیرا یک فضا با کیفیت بالا هم سطح فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد و هم باعث جذب مردم در فضاها می‌شود (Hagenbjörk, 2011: 21). وی با بیان اینکه، کیفیت محیط شهری هم بر کمیت و هم بر کیفیت فعالیت‌ها در فضاهای عمومی تأثیر بسزایی می‌گذارد (de Koe, 2013: 15)، به مکان‌هایی که از کیفیت نامطلوب برخوردار هستند و صرفاً فعالیت‌ها ضروری در آن صورت می‌گیرد، به دلیل عدم جذب مردم در فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی، بلا استفاده می‌خواند (Patel, et. Al, 2014: 38). گهل در کتاب "زندگی در فضای بین ساختمان‌ها" (Wylie, 2017: 57) (۲۰۱۱، ۱۹۷۱)، با تأکید بر وجه انسانی معماری و تعامل بین

^۲The Death and Life of Great American Cities

^۳Jan Geh

معماری با برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی و روانشناسی، فعالیت‌ها را در فضای عمومی در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند:

۱. فعالیت‌های ضروری: آن دسته از فعالیت‌هایی هستند که افراد در طول سال، در هر شرایط آب و هوایی ضرورت انجام آن را بدون در نظر گرفتن کیفیت محیط فیزیکی پیدا می‌کنند. مثل: انتظار برای یک اتوبوس یا پیاده روی به مدرسه (Khoshnam & Khaksar, 2017: 24).

۲. فعالیت‌های اختیاری: فعالیت‌های اختیاری در مقایسه با فعالیت‌های ضروری، در شرایط مناسب‌تری رخ می‌دهد به بیان دیگر فعالیت‌هایی که به صورت دلخواه بدون هیچ اجبار و ضرورتی انجام می‌شوند (Sharifi, et. al, 2017: 957)، و تنها زمانی صورت می‌پذیرند که تمایل به انجام آنها وجود داشته باشد و زمان و مکان نیز فراهم آورنده زمینه مساعد باشد. برخی از این فعالیت‌ها عبارتند از: پیاده روی، نشستن و آفتاب گرفتن، ایستادن و لذت بردن از منظره.

۳. فعالیت‌های اجتماعی: فعالیت‌های اجتماعی بستگی به مشارکت دیگران در فضاهای عمومی دارد. مثلاً: بازی کودکان، برخورد‌های اجتماعی، گفتگوها و همچنین تماس‌های انفعالی مانند: دیدن و شنیدن. فعالیت‌های اجتماعی وابسته به فعالیت‌های ضروری و اختیاری است. زیرا زمانی که افراد در مکان‌های خاص همدیگر را ملاقات می‌کنند این فعالیت‌ها به صورت خودجوش شکل می‌گیرد. (Sihombing & Dewanti, 2018: 2; Sugino, 2018: 6; Zaidin, et. al: 2016: 15)

از دیدگاه گهل، آن دسته از فضاهای عمومی مطلوبی که فعالیت‌های داوطلبانه و اجتماعی را در طیف وسیعی از زمان‌ها شکل می‌دهد فضاهای سرزنده معرفی می‌کند. به عقیده گهل، فضاهای عمومی مطلوب با عملکرد و کارایی مناسب، با فراهم کردن زمینه‌هایی برای بروز دامنه وسیعی از فعالیت‌های روزمره سبب سرزندگی فضاهای شهری می‌شوند.

Type of Activity انواع فعالیت‌ها	کیفیت محیط کالبدی در فضای شهری	
	نا مطلوب	مطلوب
Necessary Activities فعالیت‌های ضروری		
Optional Activities فعالیت‌های انتخابی		
Social Activities فعالیت‌های اجتماعی		

شکل شماره ۱: رابطه بین کیفیت محیط و فعالیت‌ها در فضاهای عمومی

منبع: (Hagenbjörk, 2011: 21)

سالزانو نیز با رویکرد اجتماعی عوامل موثر بر سرزندگی را: داشتن هویت، وجود زندگی اجتماعی در شهر، خوشبختی و پیشرفت اجتماع و اشخاص و پایداری اکولوژیکی می‌داند و هفت هدف فوق را جهت نیل به شهر سرزنده قلمداد می‌کند. آنچه از آراء نظریه‌پردازان این رویکرد واضح است این است که، برای سرزندگی فضا، حضور انسان، منوط به فعالیت‌های جمعی و القاء این سرزندگی به جمع بودن خواهد بود. لذا سرزندگی با رویکرد اجتماعی، به وسیله سطوح فعالیتها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می‌شود (Landry, 2000: 4). بنابراین این رویکرد را می‌توان به عنوان یک بازنگری انسانی در مطلوبیت‌گرایی^۱ و ارزیابی سرزندگی بر اساس درآمد و ثروت به شمار آورد که درون مایه اصلی آن امکانات و توانایی‌های مالی و روابط اجتماعی است (پروانه، ۱۳۹۵: ۲۱). در این چارچوب، سرزندگی بیانگر تاثیر فعالیت‌های اجتماعی و حضور افراد در محیط‌های شهری و سطح روابط افراد با یکدیگر می‌باشند.

۵-۴- رویکرد کارکردی

رویکردی مبتنی بر نوع فعالیت در فضاها و عرصه‌های شهری (که تا حدودی دارای درون مایه‌های اجتماعی نیز هستند) و تامین نیازهای خدماتی شهر یا واحد مسکونی در این قالب فکری قرار می‌گیرند (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳). به بیانی دیگر به این مفهوم است که مکانها چگونه عمل می‌کنند و چگونه طراحان شهری می‌توانند مکانهای بهتری بسازند. هر یک از این دو مورد در حقیقت جنبه عملکرد گرایانه دارند. از این رو نخستین عامل در این رویکرد، بررسی کارکرد محیط پیرامون برحسب استفاده مردم از آن، می‌باشد (محمدی، ۱۳۹۴: ۴۳). از جمله نظریه پردازان رویکرد کارکردی، لنگ و مونتوگومری هستند. لنگ^۲ در کتاب "آفرینش نظریه معماری" در سال ۱۹۸۷ بیان می‌دارد؛ یک مکان رفتار مثل میدانی از شهر را می‌توان به تعدادی مکان خرد رفتار تقسیم کرد. زنده بودن چنین مکان‌هایی به این بستگی دارد که هر مکان خرد رفتاری چه رفتارهایی را تأمین کند و گرایشهای مردم نسبت به آنها چه باشد. در واقع مکان‌های اجتماع مردمی، آنهایی هستند که فضای راحت نشستن، نور خوب و ملاقات با افراد دیگر را امکان پذیر سازند و مکان‌هایی برای فعالیت در آنها وجود داشته باشد مثل دکه‌های اغذیه فروشی. می‌توان گفت محیط‌های باز شهری که فاقد چنین امکاناتی باشد تبدیل به مکانهای مرده می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۴: ۳۴). مونتوگومری نیز با رویکرد کارکردی بیان می‌دارد؛ سرزندگی به تعداد افراد حاضر در فضای شهری و در زمانهای مختلف شبانه روز، میزان امکانات موجود در آن فضا، میزان برگزاری رویدادهای فرهنگی و جشنها در طول

^۱ نظریه مطلوبیت‌گرایی به طور خلاصه بر این اصل استوار است که از میان امکانات و گزینه‌های مختلفی که در هر زمینه-ای در برابر ما وجود دارد باید آن امکاناتی را بر گزینیم که بیشترین لذت را برای بیشترین تعداد افراد ایجاد می‌کند. نظریه مطلوبیت‌گرایی به جای تحمیل ارزش‌های جامعه، به هر فردی اجازه می‌دهد تا انتخاب‌های اخلاقی خاص خود را به عمل آورد

سال، زندگی فعال خیابانی و به طور کلی اینکه یک فضای شهری تا چه حد زنده باشد و احساس زندگی در آن درک شود، بستگی دارد. به اعتقاد مونتگمری می‌توان سرزندگی بیشتری را با برنامه ریزی کردن جهت رویدادها و فعالیتهای مختلف در خیابانها، ساختمانها، و فضاهای شهری خلق کرد (روستایی، ۱۳۹۵: ۲۵). راب کریر^۱ (۱۹۷۸) نیز با رویکرد کارکردی با باز تعریف عناصر فضای شهری و طبقه بندی آن معتقد است ساختمانها شکل دهنده فضا هستند. به اعتقاد راب کریر، حتی فضاهای بین ساختمانها نیز در شهرها به عنوان فضاهای شهری قلمداد خواهند شد، بنابراین وضوح ویژگی‌های هنری و کیفیت زیبایی‌شناختی در فضاها است که منجر می‌شود به فضاهای باز بیرون، فضای شهری اطلاق شود، این فضاها در دیدگاه کریر در دو نوع میدان و خیابان متجلی می‌شوند (Jadon, 2007: 2-3, Ahmad Nia & Suleiman, 2018: 66). در این خصوص از نظر کریر یکی از عوامل موثر در سرزندگی فضاهای شهری ورودیهای ساختمانهای مجاور اینگونه فضاهاست که بهتر است به داخل خیابان یا میدان باز شود تا فضای شهری از فعالیت حیاتی خود محروم نشود. (Habibi & Hedayati, 2017: 12). بنابراین تاکید این رویکرد بر تنوع و گوناگونی، کارایی، دسترسی پذیری، نفوذپذیری می‌باشد. در ادامه بحث رویکرد کارکردی سرزندگی و عوامل موثر بر آن، به رویکرد هنر مشارکتی^۲ اشاره می‌گردد که بیشتر از دیدگاه تخصصی طراحان شهری نگریسته شده است، درونمایه آن بیشتر اجتماعی می‌باشد. رویکرد هنر مشارکتی، رویکردی از هنر است که مخاطبان به طور مستقیم در یک فرایند خلاق درگیر می‌شوند و به آنها اجازه می‌دهد که هم مخاطب و هم تولید کننده درجه دو باشند. بنابراین این نوع هنر بدون وجود فیزیکی مخاطبان و تعامل آنها با یکدیگر و با اثر، ناقص خواهد بود. نگاه این نوع هنر مخاطبان را بیش از محصول نهایی با مفهوم و فرایند اثر درگیر می‌سازد. به بیان واضح‌تر که شکل‌گیری هنر مشارکتی در فضای عمومی وابسته به تعامل بین افراد با محیط و با یکدیگر است. به این ترتیب شروط اولیه شکل‌گیری این هنر، حضور مردم است (علوی، ۱۳۹۳: ۵۸). در واقع هنر مشارکتی، کاراکتر مکان را تنها در گرو ویژگی فیزیکی نمی‌داند، بلکه انسان و محیط اجتماعی را یکی از لازمه‌های کاراکتر مکان می‌داند. در این رابطه حضور مردم بایستی با امکان تاثیر گذاری و ارتباط نزدیک با محیط همراه باشد. اما باید توجه داشت که پیش شرط شکل‌گیری این هنر در یک فضای شهری، ارتباط نزدیکی بر دیگر سطوح سرمایه مانند سرمایه طبیعی، فرهنگی و انسانی دارد، چنانچه نمی‌توان انتظار داشت که یک فضای شهری که نتواند از لحاظ آسایش کالبدی و امنیت حاکم بر فضا، به شهروندان پاسخگو باشد، نمی‌تواند با انباشت و گردهم آوردن شهروندان، زمینه تعاملات سازنده اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی را فراهم آورد. اما نکته اساسی در مورد سرزنده شدن فضای شهری و استمرار آن در

^۱Rob Krier^۲Community Art

محیط است. لذا فاکتورهای هنر مشارکتی^۱ موثر بر سرزندگی فضای شهری از دیدگاه نظریه پردازان این حوزه شامل (دسترسی، حضور پذیری، تشویق مراودات اجتماعی، شخصی سازی فضا و حس تعلق به محیط، توجه به خاطرات جدید جمعی در فضا، مسئولیت پذیری و مشارکت در اجراء و نگه داری) می‌باشد (علوی، ۱۳۹۳: ۶۰).

جدول ۲: عوامل موثر بر سرزندگی با توجه به رویکردهای محیطی، اجتماعی، کارکردی

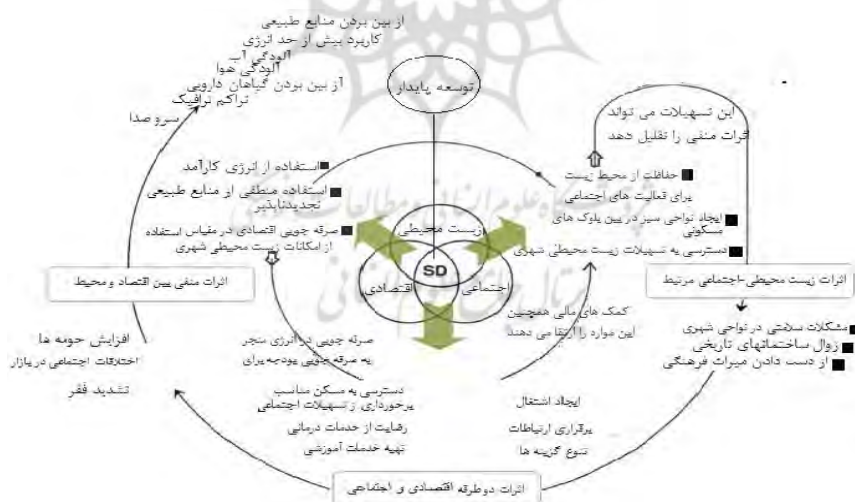
رویکرد	نظریه پردازان - موسسات	عوامل موثر بر سرزندگی
محیطی	لینچ	سلامتی - عملکرد بیولوژیکی مطلوب - بقا (ایجاد یک محیط حیاتی) - ایمنی
	ایلیپارد	ایمنی - آسایش - سلامتی -
اجتماعی	جیکوبز	تنوع (کالبدی، کاربری، فعالیت ها) - طراحی شهری جذاب و متناسب با فعالیت ها - امنیت - تراکم
	یان گهل	رعایت مقیاس انسانی فضاها - افزایش فعالیت پیاده - جبهه های فعال جلویی ساختمان ها - ارتباط مناسب بین فعالیت های داخل و خارج ساختمان ها - تنوع فعالیت ها -
	سالزانو	هویت - تعاملات اجتماعی - خوشبختی و پیشرفت اجتماع - پایداری اکولوژیکی
	جهانشاه پاکزاد	تنوع در کالبد - عملکرد و کاربری - بهره گیری از عناصر طبیعی - دعوت کنندگی و حضور افراد - امنیت
	کوروش گلکار	تنوع کالبدی - زیبایی بصری - تنوع کاربری - نفوذپذیری - حضور پذیری مردم - ایمنی و امنیت و ...
	چارلز لاندی	تنوع - تراکم مفید افراد - دسترسی
	جان مونگومری	تنوع - اختلاط کاربری - حرکت و تحرک افراد پیاده - دسترسی
کارکردی	راب کریر	اختلاط کاربری و فعالیت ها - عملکرد شبانه روزی فعالیت ها
	لنگ	میزان سازگاری بین محیط و فعالیت هایی نظیر ملاقات با دیگران تماشای مردم و خوردن
	هنری لنارد	امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آنها - امکان گرد هم آمدن غیررسمی مردم در عرصه های عمومی - فرصت اجتماعی شدن برای کودکان و جوانان در عرصه های عمومی - تأیید و ارزش قائل شدن همه شهروندان برای یکدیگر - احترام به معرفت و آگاهی های تمام ساکنان
اجتماعی - کارکردی	سای پامیر	اختلاط کاربری ها - تشویق فعالیت های اجتماعی، فرهنگی - آسایش فیزیکی و آرامش دورنی - اندازه مکان - طرح مکان - انعطاف پذیری
	دیوید چپ من	امنیت - آسایش - تنوع جاذبه ها - قابلیت دسترسی و اتصال - هویت

منبع: پژوهشگران با تلفیق برداشت های به دست آمده از بازخوانی منابع مرتبط

^۱ هنر مشارکتی حوزه‌های کارکردی گوناگونی مثل: هنرهای بصری، هنرهای نمایشی و موسیقی و ... دارد اما به دلیل فشرده‌گی و محدودیت مطالب از پرداختن به این رویکردها امتناع می‌گردد.

۵-۵- رویکرد پایداری

مفهوم پایداری و توسعه پایدار از ابتدای دهه ۱۹۹۰ در برنامه‌ریزی و طراحی شهری مطرح گردید (Bibri & Krogstie, 2017: 8 : Haider, et.al, 2018: 22). و به دنبال آن مفاهیم پایداری و توسعه پایدار شهری پا به عرصه ظهور گذاشتند. لذا امروزه با افزایش این آگاهی که، اکثر فرآیندهای زندگی شهری به پایداری مرتبط می باشند (Sonne, 2009: 55) و شهرها گره‌های حیاتی برای توسعه پایدار در مقیاس جهانی هستند، در حال حاضر حکومت های شهری سیاست‌های جدید را به سمت پایداری سوق می‌دهند (Kagan, et.al, 2017: 1). به‌طور خلاصه، مفهوم پایداری شهری نشان دهنده‌ی وضعیت مطلوبی است که در آن جامعه شهری برای رسیدن به تعادل و یکپارچگی محیط زیست، توسعه اقتصادی، بازسازی و عدالت اجتماعی (Rosa, et.al, 2018: 347) به عنوان اهداف بلند مدت (از طریق فرایند استراتژیک توسعه پایدار) در چارچوب یک مسیر مطلوب تلاش می‌کند. به این ترتیب، هدف آن ایجاد محیط‌های سالم، سرزنده و مرفه انسانی و با حداقل نیاز به منابع (انرژی، مواد و غیره) و حداقل تاثیر بر محیط زیست (زباله‌های سمی، آلودگی هوا و آب، مواد شیمیایی خطرناک، و غیره) می‌باشد (Shaery, 2017: 533). جهت درک بهتر چارچوب مفهومی و اهداف توسعه پایدار شهری، مدلی از ابعاد مهم توسعه پایدار شهرها در شکل ذیل ارائه می‌گردد (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: ابعاد توسعه پایدار شهری، منبع (Kagan, et.al, 2017: 2)

در راستای فرآیند استراتژیک توسعه پایدار جهت تحقق اهداف پایداری یکی از استراتژی های ممکن، توجه به معیارها و ملاحظات سرزندگی است. طبق مطالعات انجام شده، سرزندگی و توسعه

پایدار شهری، ارتباط مثبت، تنگاتنگ و همپوشانی قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند (Leyden et al, 2007:896; Florida, 2010: 155; O'Brein, 2001:129; Zidnasek, 2011: 868). و گاهی هم به طور مشترک به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. در همین راستا گیپ^۱ در تحقیق خود بیان می‌دارد که مبانی سرزندگی عموماً معادل توسعه پایدار می‌باشد. زیرا اکثر شاخص‌هایی که برای سرزندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند همواره در محدوده‌ی محیط پاک‌تر، امن‌تر و سبزتر تعریف می‌شوند که تحت عنوان توسعه پایدار در گفتمان سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین لی و نیوتن^۲ تأکید می‌کنند، مفهوم سرزندگی به‌عنوان یکی از چهار حوزه کلیدی در کنار پایداری زیست محیطی، عملکرد اقتصادی و حکمروایی خوب در نظر گرفته می‌شود. (Giap & et.al, 2014: 179). از سوی دیگر، لیندرست^۳ در تحقیق خود نیز ارتباط بین این دو مفهوم را این گونه روشن می‌کند؛ هر چند تفسیرهای متفاوتی از این دو مفاهیم در قاره‌های مختلف وجود دارد، اما "کیفیت زندگی"، "رفاه"، و "رضایت زندگی" مفاهیم مشترک (فصل مشترک) توسعه پایدار و سرزندگی هستند (Brook Lyndhurst, 2004: 5). لذا، نتایج مطالعات نشان می‌دهد که سرزندگی، به طور گسترده‌ای به عنوان پایداری زندگی انسان تعریف می‌شود (Vanzerr & Seskin, 2011: 5-10) و یکی از استراتژی‌های ممکن برای تحقق اهداف توسعه پایدار شهری، توجه به معیارها و ملاحظات سرزندگی و شادابی است. به نحوی که اگر جامعه‌ای بتواند در راستای برآورده ساختن نیازهای بنیادی انسان، شادابی و سرزندگی را افزایش دهد، گام بلندی برای رسیدن به جامعه پایدار برداشته است. به بیان دیگر ارتقای شادابی و سرزندگی در جوامع به توسعه پایدار منجر خواهد شد. (Zidnasek, 2007: 892- 893; Pokharel, 2014: 7-9). به این ترتیب سنجش سرزندگی شهری در چارچوب توسعه پایدار قرار می‌گیرد که عملکرد آن با عوامل دیگری همچون پایداری محیطی، رقابت اقتصادی و تاب‌آوری در ارتباط است. (Brook Lyndhurst, 2004: 5). بنابراین سرزندگی از دیدگاه پایداری، مجموعه عوامل کیفیت زندگی جامعه را در برمی‌گیرد، که شامل: محیط‌های طبیعی و ساخته شده، رونق اقتصادی، پایداری و عدالت اجتماعی، فرصت‌های آموزشی، و امکانات فرهنگی، تفریحی و سرگرمی است. لذا سیستم‌های و چارچوب‌ها مختلفی برای ارزیابی سرزندگی در چارچوب پایداری یک شهر در مقیاس جهانی، توسعه یافته است. مثل: ارزیابی کیفیت زندگی مونوکل^۴، رتبه‌بندی جهانی سرزندگی EIUs، پتانسیل سرزندگی مکان، رتبه‌بندی کیفیت زندگی مرسر^۵ (شاخص کیفیت زندگی)، شاخص‌های سرزندگی و کیفیت زندگی اکونومیست^۶، رتبه بندی

^۱Giap^۲Ley and Newton^۳Lyndhurst^۴Monocle^۵Mercer

جهانی EIU، شاخص سبز اروپایی، طرح شهر، جایزه سرمایه‌گذاری سبز اروپا، برنامه شاخص‌های جهانی EIU و شاخص کیفیت زندگی (QLI). معیارهایی که برای سنجش سرزندگی در چهارچوب‌های ارزیابی توسعه پایدار شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند بیشتر با توجه به معیارهای کیفیت زندگی شهری تدوین می‌شوند (Kaklauskas, et.al,2018: 84) (جدول شماره ۳).

جدول ۳: عوامل موثر بر سرزندگی با رویکرد پایداری

معیار	ابزار سنجش
ثبات و امنیت، بهداشت درمان، فرهنگ و محیط، آموزش، زیرساخت‌ها	رتبه بندی جهانی سرزندگی EIU
۳۹ فاکتور گروه بندی شده در ده دسته بندی: محیط اجتماعی و سیاسی، محیط اقتصادی، محیط فرهنگی-اجتماعی، بهداشت و سلامت، مدارس و آموزش، خدمات عمومی و حمل و نقل، سرگرمی، کالاهای مصرفی، مسکن، محیط طبیعی	کیفیت زندگی مرسر (Mercer)
۸ شاخص: شاخص قدرت خرید، آلودگی، قیمت مسکن نسبت به درآمد، هزینه زندگی، امنیت، درمان، زمان رفت و آمد و اقلیم	شاخص های کیفیت زندگی (Numbeo)
۲۴ زیر شاخص در ۸ گروه گسترده: امنیت آب با توجه به رویکرد سیاست های آبی، کیفیت آب که شامل آبهای سطحی و زیرزمینی، آب آشامیدنی، بهداشت، زیرساخت، اثرات آب و هوا، تنوع زیستی و جاذبه ها، نوع حکومت	رتبه بندی جهانی EIP
۱۱ شاخص: امنیت، جرم، مراقبت پزشکی، اقلیم/افتاب، روابط بین المللی، حمل و نقل عمومی، کیفیت معماری، مباحث زیست محیطی و دسترسی به طبیعت، طراحی شهری، موقعیت های شغلی، توسعه سیاست های طرفدار فعال، حد تغییرات (تحمل)	کیفیت زندگی مونوکل
۳۰ شاخص تفکیک شده در پنج گروه: پایداری، درمان، فرهنگ و محیط زیست، آموزش، زیرساختها	شاخص های شهر سبز اروپایی
عمر ساختمان ها، عملکرد ساختمان ها، موقعیت خدمات و امکانات (نوع و تمرکز آن ها)، نقاشی دیواری، نقاط نظارتی، حرکت پیاده	پتانسیل سرزندگی مکان (مقیاس واحد همسایگی)

منبع: (Kaklauskas, et.al,2018: 84)؛ (نوروزیان ملکی، ۱۳۹۲: ۴۲)

با اینکه، سرزندگی درکنار پایداری، به عنوان یک اصل اساسی و راهنما برای برنامه‌ریزی و سیاست، مطرح گردیده است و به زعم بسیاری از پژوهشگران، مفهوم سرزندگی زمانی که در کنار مفهوم مشابه و متداول پایداری قرار می‌گیرد، بهتر قابل درک می‌شود اما بعضی از اندیشمندان اظهار دارند که این دو مفهوم متمایز هستند. این اندیشمندان استدلال می‌کنند که؛ ارتباط بین سرزندگی و توسعه پایدار خیلی واضح و شفاف نیست.. به زعم آنها، پایداری مفهومی است که برای

افراد به سختی قابل درک بوده و استفاده از آن برای برنامه‌ریزان نیز دشوار و هم‌چنین اجرای آن در مقیاس محلی نیز چالش برانگیز است. بر این اساس این مفهوم، به بلند مدت اشاره دارد و چشم‌انداز جهانی را در نظر می‌گیرد. در مقابل، سرزندگی در مورد «زمان حال» و یا «آنچه تقریباً باید باشد» است. و هم‌چنین با توجه به استانداردهای آن که نه تنها بین کشورهای مختلف بلکه بین شهرهای مختلف نیز متفاوت است. به نظر می‌رسد که سرزندگی فوری و ملموس‌تر و بنابراین دست‌یافتنی‌تر است. به نظر این پژوهشگران، سرزندگی مزیتی برای ارتقا‌ی پایداری شهری است و به طور کلی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر به زعم دیگر پژوهشگران، سرزندگی بیشتر به مکان و شکل فیزیکی مرتبط است که کیفیت اجتماعی زندگی را عمدتاً تحت تأثیر قرار می‌دهد در حالی که پایداری به طور برابر بر جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تأکید دارد. بنابراین بر اساس این دیدگاه پایداری شهری نسبت به سرزندگی حوزه‌ای عمومی‌تر است (Ruth & Franklin, 2014: 19; Abdelbaset, 2015: 33).

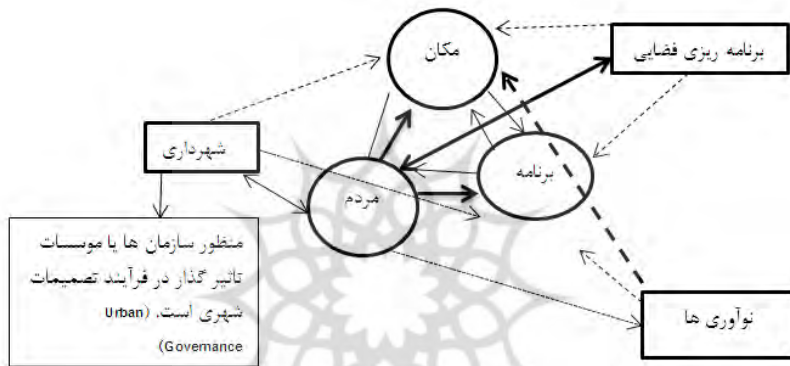
۶- مدل مفهومی تحقیق

با دوری از کلیشه‌های معمول، این تحقیق از یک روش بین‌رشته‌ای (به دلیل ماهیت علم جغرافیا) تلاش بر آن داشت تا مهم‌ترین ابعاد جنبه‌های سرزندگی شهری را در نظر بگیرد. این مقاله از مفاهیم و مولفه‌هایی که در ادبیات روانشناسی، معماری، طراحی، برنامه‌ریزی و همچنین نظرسنجی‌های رتبه‌بندی جهانی لحاظ شده است، جهت دستیابی به مدل مفهومی سرزندگی بهره‌مند شده است. با ذکر این توضیح که، هر نگرش ارائه شده دیدگاه منحصر به فردی از سرزندگی را لحاظ کرده و به بیان ابعاد مهمی از سرزندگی شهری می‌پردازند. بر اساس ارزیابی تحلیلی، این نگرش‌ها به بررسی سرزندگی شهری در یک چارچوب خطی سه‌گانه می‌پردازند که تحت تأثیر؛ محیط، اقتصاد و جامعه قرار دارد، که طی آن شهرهای سرزنده نیازمند هم‌افزایی و در نظر گرفتن ابعاد مختلف هستند. از سویی دیگر، به دلیل پیچیدگی سیستم‌های شهری، نیاز به شناسایی متغیرهای موثر بر سرزندگی و سپس تشخیص آنها در عملکرد فضاهای شهری است. لذا، سیستم‌های پیچیده بیانگر شرایط عناصر متعدد هستند که با "حضور بسیاری از تعاملات و بازخوردهای متعدد و چرخه‌های پیشنهادی به سیستم اجازه بازسازی یا ...اصلاح الگوی تعاملات بین متغیرها می‌دهند. به عبارت دیگر، سیستم‌های پیچیده دارای ظرفیت پاسخ‌گویی به محرک‌های محیط خارجی برای بازتعریف ساختارشان، سازماندهی خود، ایجاد تغییرات بین نظام‌های طبیعی مختلف می‌باشند. بر این اساس دو ویژگی مهم و حیاتی برای متغیرهای موثر بر سرزندگی در سیستم‌های پیچیده مطرح می‌شود: هم‌افزایی و خودسازماندهی. این بدان معنی است که در فضاهای شهری، کارایی متغیرها در چند لایه - عملکردی (فیزیکی)، اقتصادی اجتماعی، سیاسی و ... بستگی به این دارد که جریان تعاملی بین متغیرها با عناصر چگونه و تا چه حد هموار باشد. رویکرد

پیشنهادی در این مدل نشان‌دهنده روابط منطقی ابعاد با متغیرهای سرزندگی شهری است که طی آن باید ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی را جهت بهبود سرزندگی شهری با متغیرهای اصلی سرزندگی (مکان، مردم و برنامه) در نظر گرفت. مطالعات متعدد از رویکردهای فوق نشان می‌دهد که در ارزیابی سرزندگی شهری، مکان، مردم و برنامه سه عنصر ضروری برای سرزندگی در نظر گرفته می‌شوند. اما مسئله کلیدی و مهم این است که هر یک از نظریه پردازان با توجه به رویکرد مد نظرشان تاکید متفاوت بر سه عنصر دارند. و برای ارزیابی، با تاکید بیش از حد بر یک عنصر، از عنصر یا عناصر دیگر غافل می‌مانند. (برای مثال رویکرد محیطی توجه به برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی را جهت حضور پذیری مردم کاملاً نادیده می‌گیرد). به عبارت دیگر نظریه پردازان شهری به صورت متغیر بر یک عنصر یا ارتباطات بین دو عنصر همانند مردم و مکان را در نظر می‌گیرند و به اطلاعات مربوط به مقیاس‌های خرد و کلان که بر طول مدت زمان ماندن افراد در فضاهای عمومی تاثیرگذار می‌باشند، می‌پردازد. این استدلال‌ها را می‌توان به عنوان جبرگرایی فضایی قلمداد کرد. لذا مدل مفهومی ارائه شده، بر ارتباط یکپارچه سه عنصر در ارزیابی سرزندگی شهری تاکید می‌کند. زیرا با یکپارچگی این سه عنصر با یکدیگر فضاهای شهری بیش از پیش پر جنب و جوش می‌شوند و از طریق روش برنامه ریزی فضایی موثر، تحرک و پویایی در سطح گسترده‌تری توسعه داده می‌شود. به عبارت دیگر، این سه عنصر در حلقه بیرونی‌تر، محرک پویایی عناصر حلقه درونی‌تر هستند. جهت ترسیم مدل مفهومی ابتدا باید تعاریف مکان، مردم و برنامه روشن شود. مکان از فضا، به دلیل تأکید آن بر بار معنایی اجتماعی، متمایز می‌شود. نظریه‌های مکانی ادعا می‌کنند که مکان وقتی فضا می‌شود که هویت‌ها، خاطرات و معانی، از طریق فعالیت‌ها در فرم فیزیکی ارزش معنایی یابند. در اینجا، مکان نه تنها به قلمرو فیزیکی عمومی (فضاهای عمومی و امکانات عمومی) اشاره دارد، بلکه به ترکیب عناصر فضایی شهر به عنوان یک کل نیز اشاره می‌کند.

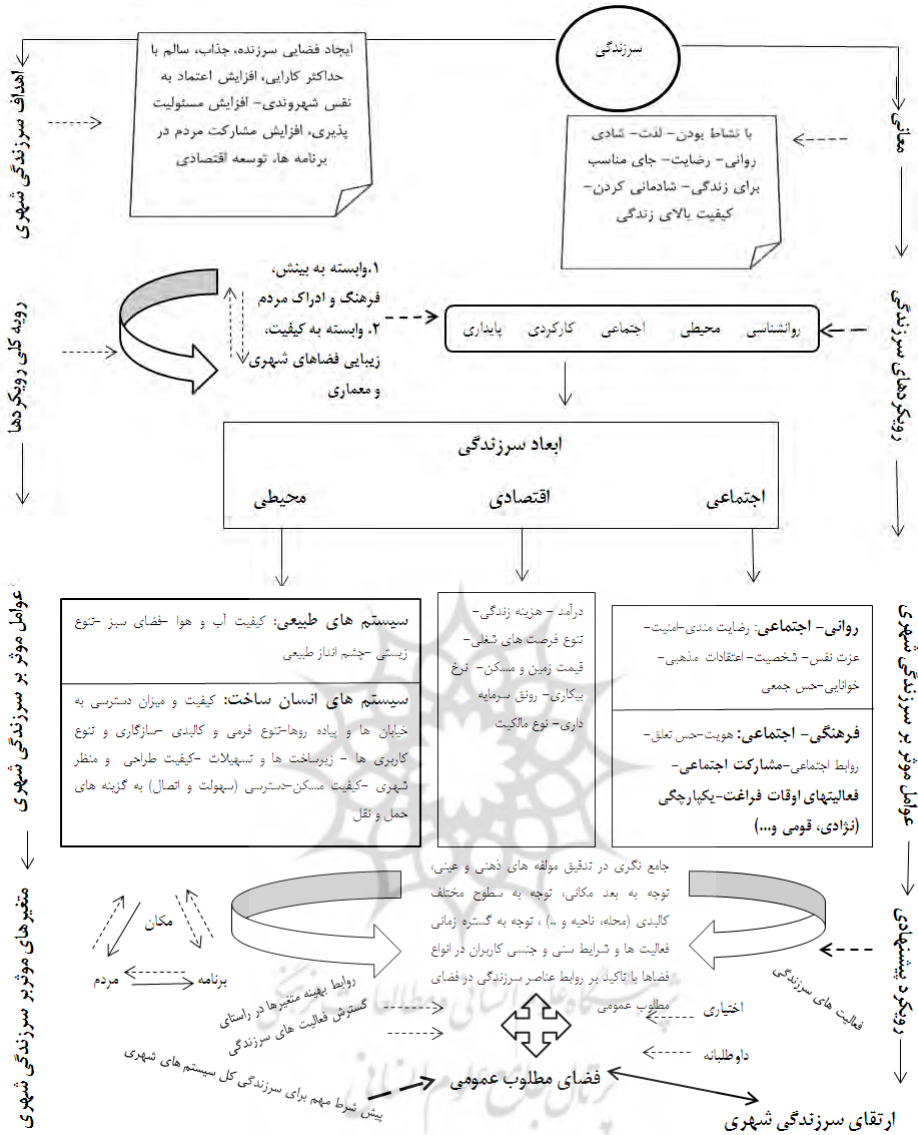
مفهوم برنامه در این زمینه اشاره به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فضایی دارد. همچنین مردم به افراد، گروه‌های بخش خصوصی، از جمله ساکنان محلی، صاحبان کسب و کار و توسعه دهندگان بازارو ... اشاره دارد. لذا رابطه بین سه عنصر ضروری به این شرح است؛ مکان‌ها برنامه‌ها را متعادل می‌کنند و برنامه‌ها مکان‌هایی را که باید در آن قرار داشته باشند را انتخاب می‌کنند. برنامه‌ها به مردم خدمت می‌کنند و مردم برنامه‌های خود را آغاز می‌کنند. مکانها مردم را جذب می‌کنند و مردم مکان‌ها را می‌سازند. بنابراین، مکان‌ها باید به عنوان چیزی بیش از ظرف‌هایی محض، برای عملکردهای و فعالیت‌های مختلف شهری، در نظر گرفته شوند (نمودار ۱). به عبارت دیگر، بین کیفیت مکان و فعالیت‌ها در فضاهای شهری ارتباط دو سویه‌ای وجود دارد. زیرا یک فضا با کیفیت بالا هم سطح فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد و هم باعث جذب مردم در فضاها می‌شود. بنابراین فضای مطلوب، برای تحقق روابط اجتماعی مطلوب شهروندان و مشارکت آنها (سرمایه اجتماعی) و همچنین رسیدن به پایداری اقتصادی، معیاری ضروری است. به بیان دیگر، فضای

مطلوب، پیش شرط مهم برای سرزندگی کل سیستم‌های شهری است که از یک سو موجب ارتقای سرزندگی شهری می‌گردد و از سوی دیگر فضای شهری با افزایش سرزندگی موجب ارتقا و مطلوبیت بیشتر فضا می‌گردد (ارتباط متقابل حاکم است). نمودار (۲) نوع روابط بین سه عنصر را در چارچوب عوامل موثر بر سرزندگی با تاکید بر فضای مطلوب نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱: عناصر تاثیر گذار بر سرزندگی شهری

منبع: پژوهشگران با تلفیق برداشت‌های به دست آمده از بازخوانی منابع مرتبط



نمودار شماره ۲: الگوی مفهومی عوامل موثر بر سرزندگی شهری
منبع: پژوهشگران با تلفیق برداشتهای به دست آمده از بازخوانی منابع مرتبط

۷- نتیجه‌گیری

این مقاله یک ارزیابی تحلیلی مقایسه‌ای را در مورد روش‌های مختلف بیان کرده و یک شناخت میان رشته‌ای از سرزندگی شهری نسبت به غنا و تنوع در روانشناسی، معماری، طراحی، برنامه‌ریزی و ابزارهای کنونی رتبه‌بندی ارائه کرده است. هرچند هدف اصلی این مقاله ارائه یک الگوریتم جدید جهت سنجش سرزندگی شهری نبوده است. با این حال، این مقاله به بیان پیش زمینه برای تحقیقات بیشتر میان رشته‌ای در مورد سرزندگی شهری پرداخته است. بنابراین مقاله حاضر، با دیدگاه یکپارچه (به دلیل ماهیت علم جغرافیا) به ارائه مدل مفهومی منبعث از رویکرد ها و رابطه‌ای منطقی بین متغیرها و عناصر سرزندگی شهری برای بستر سازی پژوهش‌های آتی مبتنی بر این مفهوم تأکید دارد. لذا نتایج بیانگر آن است که، تعاریف و شاخص‌های ارائه شده برای سرزندگی از اجتماعی به اجتماع دیگر متفاوت است. علت آن این است که، معیارهای ارزیابی در مکانهای مختلف و افراد مختلف با توجه به تخصص، مسئولیت، فرهنگ، سنت‌ها و ... متفاوت است. از این رو رسیدن به نظری فراگیر در زمینه سرزندگی شهری با رویکرد جامع دشوار می‌نماید. لذا با بررسی رویکردهای فوق این نتیجه حاصل گردید که، عوامل موثر بر سرزندگی از دیدگاه روانشناسان در گرو؛ رضایت از زندگی، حضور حالات مثبت و عدم حضور حالات منفی است. در واقع سرزندگی از دیدگاه روانشناسان خوشحالی روانی است که بر زندگی خوب و مطلوب به لحاظ ذهنی تمرکز می‌کنند و از تأکید آن‌ها بر ابعاد عینی باز می‌مانند. از سویی، رویکرد نظریه پردازان اجتماعی و کارکردی جهت تدقیق عوامل موثر بر سرزندگی به طور معمول بیشتر در چارچوب عوامل عینی جای می‌گیرد و بر ابعاد ذهنی آنچه که دغدغه روانشناسان به شمار می‌رود تأکید یکسانی ندارند. در این بین بعضی از نظریه پردازان دو رویکرد، بیشتر بر عوامل اجتماعی از قبیل؛ امنیت، افزایش فعالیت‌ها و تنوع کاربری‌ها با توجه به نوع فعالیت‌ها تأکید کرده‌اند و به دنبال جان بخشیدن به دیدگاه اقتصادی با استفاده از مسائل اجتماعی یا انسانی بوده‌اند و بر نیاز به تسهیل جهت‌گیری و حرکت در شهر، کاهش استرس ناشی از آلودگی، ازدیاد جمعیت، مسکن نامناسب و بار اضافی محرک و طراحی محیطی ساخته شده، تأکید کرده‌اند که جوابگوی نیازهای مختلف ساکنان تنها در بعد عینی می‌باشد. از سوی دیگر در سنجش سرزندگی با رویکرد پایداری به دو جهت روش‌شناسی و نظریه‌ای مورد انتقاد است. چگونگی انتخاب شاخص‌ها، ترکیب، وزن دهی به آنها و دسترسی به داده‌ها در مکان‌های مختلف از موضوعات مورد انتقاد می‌باشد. زیرا شاخص‌های سرزندگی از یک محله تا محله دیگر در یک شهر و همچنین از یک شهر تا منطقه کلانشهری متفاوت است. در حالی که پایداری چشم انداز جهانی را در نظر می‌گیرد. همچنین بعضی از مطالعات نشان می‌دهند که بین سرزندگی و پایداری محیطی رابطه منفی وجود دارد. به این ترتیب که اکثر شهرهایی که در سطح بالای سرزندگی قرار دارند در وضعیت پایداری پایینی بوند. این مطالعات بیان می‌دارد که سرزندگی

با تحمیل هزینه بر پایداری محیطی (زیست محیطی) بدست می‌آید. از سویی در بعضی از تحقیقات و ادبیات در مورد تاثیر متقابل سرزندگی و پایداری به طور کلی هیچ توافقی وجود ندارد و توجه کافی به این موضوع نشده است که آیا این دو مفهوم "دارای ارتباط مثبت با یکدیگر" هستند یا "در یک ارتباط خطی در جهت عکس یکدیگر" قرار دارند. با توجه به مطالب گفته شده از رویکردهای فوق روشن است که به منظور دستیابی به سرزندگی شهری، تعداد زیادی از نیازهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی باید ارضا شوند. از نگاه سیستمی نتایج حاصله با پژوهش‌هایی که از رویکردهای خاص به بحث سرزندگی پرداختند در تباین بوده است. با این حال پژوهش‌های سای پامیر و دیوید چپ من، به دلیل استفاده از دو رویکرد اجتماعی- کارکردی نسبت به پژوهش‌های دیگر از قدرت تحلیلی بیشتری برخوردارند. زیرا اکثر پژوهش‌های صورت گرفته با رویکردهای غیر منسجم و تک بعدی به جبرگرایی گرایش دارند و به دلیل عدم حمایت از مطالعات مورفولوژیکی در بعد مقیاس‌های محلی و عدم یکپارچگی متغیرهای موثر بر سرزندگی به دلیل پیچیدگی ارگانیک شهری، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. سومین نقد اینکه، از روش‌های آماری بسیار ساده بهره برده اند، که تقریباً درصد زیادی از مطالعات مربوطه، بر روابط متقابل ساده‌ی آماری تکیه می‌کنند و فاقد پشتوانه نظری قوی می‌باشند. چهارمین نقد تحقیقات نیز، گرایش به تجمیع کشورهای درحال توسعه و صنعتی و مدنظر قرار دادن همه‌ی آن‌ها با هم است. (نیازی به تکرار انتقادهای مشابه در رابطه با انتخاب موارد در تحقیقات تطبیقی نیست). اما ناهمگونی در میان کشورهایی که از نظر تاریخ، فرهنگ، سیاست، و اقتصاد بسیار با هم متفاوت هستند. و چنین خلأ‌های موجود در منابع، تحقیق حاضر رویکرد سیستمی در چارچوب متغیرهای موثر بر سرزندگی شهری را پیشنهاد می‌کند.

۸- پیشنهادات

توجه به شاخص‌های ترکیبی رویکردها ضمن توجه به بعد مکانی، توجه به سطوح مختلف کالبدی (محله، ناحیه و ..)، توجه به گستره زمانی فعالیت‌ها و شرایط سنی و جنسی کاربران در انواع فضاها (مطلوب) با تاکید بر روابط عناصر سرزندگی رویکرد پیشنهادی تحقیق می‌باشد. بنابراین برای تأثیر موفق بر سرزندگی شهری، پژوهشگران باید ابتدا به ذهنیت محیط عینی اذعان کنند. یعنی در تحقیقات خود بر عوامل ذهنی سرزندگی مانند عوامل عینی اهمیت قائل شوند. دوم، توجه یکپارچه به عناصر سرزندگی (مکان، مردم و برنامه) با تاکید بر حضور پذیری مردم است. زیرا مردم به عنوان هسته اصلی سرزندگی شناخته می‌شوند. در همین راستا مکان‌ها (شهرها) با توسعه و

^۱ این مطالعه در سال ۲۰۱۲ در شهرهای ملبورن، سیدنی، پرت، کپنهاگ و اوکلند انجام شده است که همه میزان بالایی از مصرف را داشتند. این نتایج نشان می‌دهد که سایر شهرهایی که در طلب رسیدن به رتبه‌های بالای سرزندگی هستند مصرف گرایی بالایی را مد نظر خواهند داشت. به طوری که منابعی سه برابر سیاره زمین برای مصرف کالا و خدمات نیاز دارند که به طور مشخص سبب ناپایداری خواهند شد.

متعادل کردن برنامه‌ها نه تنها باعث حضور پذیری و دعوت‌کنندگی مردم می‌شوند بلکه آنها را به ابتکارات خود برمی‌انگیزند و به دنبال آن باعث ارتقای سرزندگی می‌شوند. سوم، باید تشخیص داده شود که تحقیق موفق آکادمیک دیگر به تنهایی کافی نیست. برای اطمینان از استفاده درست نتایج توسط سازمان‌های دولتی و خصوصی و تصمیم‌گیرندگان، محققان باید در پی شکل‌دهی کانال‌های مستقیم ارتباطی باشند که یافته‌های عملی را به اهداف خط‌مشی مرتبط می‌کند. هر چند باید تحقیقات بیشتری را جهت ارائه یک الگوریتم دقیق و پیچیده و شاخص‌های چند بعدی که به اندازه‌گیری شاخص‌های سرزندگی شهری می‌پردازند، انجام داد. در پایان، به دلیل پیچیدگی جهان واقعی و این واقعیت که الگوهای شهری، فرآیندها و مشکلات با بسیاری از مرزهای سنتی آکادمیک در تضاد هستند، باید تأکید کرد که با اینکه هر یک از علوم اجتماعی نقشی جداگانه در تحلیل شهری دارند، اما درک کامل کیفیت محیطی شهری و رفاه بشری باید ورای حدود قواعدی خاص باشد. تجربه جغرافیدانان در هر دو زمینه؛ بررسی‌های میدانی و روش‌های آمایش فضایی، کالبدی و اجتماعی، با وجود گستردگی مفهومی و روش‌شناسی یک موضوع موجب این اطمینان می‌شود که جغرافیدانان برنامه‌ریزی شهری می‌توانند نقش قابل توجهی در ارتقای سرزندگی شهری در قرن بیست و یکم داشته باشند. به این ترتیب که جغرافیدانان برنامه‌ریزی شهری با توجه به رویکرد جامع‌نگری و البته سیستمی با استفاده از علوم مرتبط و ایجاد پیوند میان آن‌ها، رابطه‌ای منطقی بین متغیرها و عناصر سرزندگی شهری برقرار می‌کند. از آنجایی که سرزندگی شهری یک ارزش دارای ابهام است که در مکان‌های مختلف به صورت متفاوتی درک و تفسیر می‌شود، جغرافیدانان برنامه‌ریزی شهری به عنوان متخصصین فضا‌مند زمین (یا به عبارتی متخصصین برنامه‌ریزی فضایی در چارچوب درک هندسی فضا و رفتار)، همواره رهیافت‌هایی را معرفی کرده‌اند که در حل معضلات شهری رهگشا بوده است؛ رهیافت‌هایی که به تمام ابعاد ارتباط شهروندان با محیطشان در بستر فضایی اهمیت داده و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند. بنابراین با توجه به پیچیدگی بین متغیرها، ابعاد و عناصر، هم جهت درک و شناخت سرزندگی در سامانه‌های شهری در هم تنیده که دارای روابط بازخوردی و تو در تو هستند و هم جهت ارتقای آن‌ها، جغرافیدانان برنامه‌ریزی شهری با رویکرد سیستمی و رهیافت‌های نوین تحلیلی، اقدام به ارائه راه‌حل‌های تلفیقی و ترکیبی می‌کنند.

منابع

۱. ایزدی، پگاه؛ هادیانی، زهره؛ حاجی نژاد، علی؛ و قادری، جعفر (۱۳۹۶). تبیین و ارائه الگوی بازآفرینی شهری فرهنگ محور با تاکید بر رویکرد نهادی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۹ (۲)، ۱۸۷-۱۶۳.
۲. پروانه، افسانه (۱۳۹۵). سنجش کیفیت زندگی شهری و ارائه راهبردهای بهبود در شهر ساری؛ مطالعه موردی: نواحی سه و چهار منطقه‌ی دو (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه مازندران، ایران
۳. جیکوبز، جین (۱۹۶۱). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ترجمه پارسی، حمید رضا و افلاطونی، آرزو (۱۳۹۲). چاپ سوم. تهران. انتشارات دانشگاه تهران
۴. حسامپور، فاطمه (۱۳۹۵). رابطه امید و شادکامی با سرزندگی تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه کاشان، ایران
۵. خزاعی نژاد، فروغ (۱۳۹۴). تحلیل زیست‌پذیری در بخش مرکزی شهر تهران مورد پژوهش: محله‌های منطقه ۱۲ (رساله دکتری). دانشگاه خوارزمی، ایران
۶. خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹). عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری. نشریه هویت شهر، ۶ (۴)، ۶۳ - ۷۴
۷. خوشاب، سمیه (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی بر سرزندگی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، ایران
۸. روستایی، سکینه (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی کیفیت سرزندگی در فضاهای شهری و نقش ساختار فضای شهری بر ارتقاء آن (پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته معماری). دانشگاه فنی و مهندسی ایلام، ایران
۹. ریزوندی، بیژن (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ورزش صبحگاهی بر شادکامی، سرزندگی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر کرمانشاه (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه لرستان، ایران
۱۰. سادات رضایی، طاهره (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مؤلفه های سرزندگی، بر تغییر رفتار مادران خانواده‌های درهم تنیده، با رویکرد ساختاری مینوچین (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا، ایران

۱۱. سامعی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین جو سازمانی با شادمانی و سرزندگی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه ارومیه سال تحصیلی ۹۲-۹۱ (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه ارومیه، ایران
۱۲. صمدی تودار، فواد (۱۳۹۴). تبیین نقش کیفیت کالبدی در سرزندگی اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی با تاکید بر فضای کارآفرینی، مطالعه موردی: دهستان خاوومیرآباد، شهرستان مریوان (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه زنجان، ایران
۱۳. علوی، سیده مارال (۱۳۹۳). هنر مشارکتی راهبردی به سوی سرزندگی فضاهای شهری؛ نمونه موردی: ساحل شرقی رودخانه کارون در شهر اهواز (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت شهید رجایی، ایران
۱۴. علی اکبری، اسماعیل؛ و علی اکبری، مجید (۱۳۹۶). مدلسازی ساختاری - تفسیری عوامل مؤثر بر زیست پذیری کلانشهر تهران. نشریه برنامه ریزی و آمایش فضا، ۱ (۲)، ۳۱-۱
۱۵. کایینی، لیلا (۱۳۹۴). طراحی مرکز فرهنگی تجاری با رویکرد سرزندگی در فضای عمومی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران
۱۶. لطیفی، غلامرضا؛ جمعه‌پور، محمود و گریوانی، سلیمه (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی سرزندگی شهری در محلات مجیدیه جنوبی و سعادت آباد تهران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۴، ۲۷-۴۰
۱۷. لینچ، کوین (۱۹۸۱). تئوری شکل شهر. ترجمه بحرینی، سید حسین (۱۳۹۴). چاپ هفتم. تهران. انتشارات دانشگاه تهران
۱۸. محمدخانی، فاطمه (۱۳۹۵). شناخت مؤلفه‌های طبیعی تأثیر گذار بر ارتقای سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی؛ مطالعه موردی: مجتمع مسکونی در تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران، ایران
۱۹. محمدی، مریم (۱۳۹۴). سنجش سرزندگی در فضاهای شهری (نمونه موردی: حد فاصل میدان تجریش و میدان قدس). طرح پژوهشی مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
۲۰. میر شاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت الله (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. تازه‌های علوم شناختی، سال چهارم، شماره ۳، ۵۸-۵۰
۲۱. نصری، سید رضا؛ و حسنجانی، مهنوش (۱۳۹۶). شهر و سرزندگی (پژوهشی در باب مولفه های سرزندگی فضاهای شهری). تهران. انتشارات گوهر دانش
۲۲. نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۹۲). معیارهای طراحانه ارتقای سرزندگی محلات مسکونی (واحد همسایگی بانشاط و سرزنده). (رساله‌ی دکتری). دانشگاه علم و صنعت، تهران.

23. Abdelbaset, M. (2015). **Livability of high-rise districts, Case Study of West Bay in Doha. Thesis for Department of Architecture and Urban Planning- AUP** (degree of Master of Science in Urban Planning and Design). QATAR UNIVERSITY
24. Ahmad Nia, H., Suleiman, Y. (2018). Aesthetics of Space Organization: Lessons from Traditional European Cities. *The journal of Contemporary Urban Affairs*. Vol: 2, pp: 66– 75
25. Bibri, S., Krogstie, J. (2017). Smart Sustainable Cities of the Future: An Extensive Interdisciplinary Literature Review. **The journal of Sustainable Cities and Society**. Vol: 31, pp: 1–30
26. Borsekov , K., Kourtit, K., Nijkamp, P. (2017). Smart development, spatial sustainability and environmental quality. **The Journal of Habitat International**. Vol: 68, pp: 1-2
27. Brook Lyndhurst (2004), **Liveability & Sustainable Development: Bad Habits and Hard Choices**, Office of the Deputy Prime Minister (ODPM), London, UK, pp:1-35
28. De Koe, D. (2013). **Urban Vitality Through a Mix of Land-uses and Functions: An Addition to Citymaker**. MSc Thesis Land Use Planning - Landscape Architecture and Planning - Land Use Planning - Wageningen University
29. Florida, R., Mellander, C., Rentfrow, P. (2011). The Happiness of Cities. **The journal of Regional Studies**. Vol: 47. No: 4, 613– 627
30. Ghasemi, k., Hamzenejad, M., Meshkinia, A. (2018). The spatial analysis of the livability of 22 districts of Tehran Metropolis using multi-criteria decision making approaches. **The journal of Sustainable Cities and Society**. Vol: 38, No., PP: 382-404
31. Giap, kh., Thye, w., AW, G. (2014). A new approach to measuring the liveability of cities: the Global Liveable Cities Index. . *The journal of World Review of Science, Technology and Sust. Development*, Vol:11, No. 2. PP: 176-196
32. Habibi, N., Hedayati, M. 2017. Impacts of Physical Factors on Increasing the Sense of Vitality in Local Markets from the Perspective of Environmental Psychology Case Study: Amirkola, Babol. **The journal of Urban Research (IOJUR)**. Vol: 2, Nol: 1, pp: 10- 15
33. Hagenbjrk, L. (2011). **AN ANALYSE OF CHINESE URBAN PUBLIC SPACE – Beijing as an Example**. Diploma work for Master’s degree. Master’s programme of Spatial Planning. Blekinge Institute of Technology
34. Haider, H, et. al.(2018). Sustainability assessment framework for small-sized urban neighbourhoods: An application of fuzzy synthetic evaluation. **The journal of Sustainable Cities and Society**. Vol: 36, pp: 21–32
35. JADON, S. (2007). BASIC CONCEPTS OF URBAN DESIGN - A RESEARCH REVIEW. **The journal of ITPI**. Vol: 4, pp: 70- 72
36. Jalaladdini, S., Oktay, D. (2011). Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns. *The journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Vol: 35, pp: 664 – 674
37. Jin, X., Long, Y., Sun, W., Lu, Y., Yang, W., Tang, J. (2017). Evaluating cities' vitality and identifying ghost cities in China with emerging geographical data. **Cities**. Vol: 63, pp: 98–109
38. Kagan, S., Hauerwaas, A., Holzc, V., Wedler, P. (2017). Culture in sustainable urban development: Practices and policies for spaces of possibility and institutional innovations. **Cities** Vol: , pp:1- 14

39. Kaklauskas, et. al. (2018) . Quality of city life multiple criteria analysis. **Cities**. Vol: 72, pp: 82–93
40. Khoshnama, S., Khaksar, N. (2017). Revising the Principles of Designing Based on Promoting Social Interactions (Case Study: Designing a Religious-Complex). **The Journal of Arts Studies IJAPAS**. Vol: 2. No: 3, pp: 21–30
41. Kooshali, D., Azeri, A., Parvizi, R., Hosseini, S. (2015). Effect of Environmental Physical Elements in Creating Residential Complex's Vitality for the Enhancement of Social Interactions. The journal of **Procedia - Social and Behavioral Sciences**. Vol: 201, pp: 255-264
42. Landry, C.(2000). Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness”, **Prince ClausFund Journal**, ARCHIS issue 'Urban Vitality / Urban Heroes
43. Leyden, M., Goldberg, A., Michelback, P. (2011). Understanding the pursuit of happiness in ten major cities. **The Journal of Urban Affairs Rev**.Vol: 47, pp: 861–888
44. Liu, J., Nijkamp, P., Huang, X., Lin, D. (2017). Urban livability and tourism development in China: Analysis of sustainable development by means of spatial panel data. **The journal of Habitat International**. Vol: 68, pp: 99-107.
45. O’Brien, C. (2008). Sustainable Happiness: How Happiness Studies Can Contribute to a More Sustainable Future. **The Journal of Canadian Psychological**. Vol: 49. No: 4, pp: 289–295
46. Palacio, F. (2015). Urban quality and the sustainable city in Norway: the challenge of density. **The Journal of Sustainable Development and Planning**. Vol: 193, pp: 677 – 687
47. Paul, A., Sen, J. (2018). Livability assessment within a metropolis based on the impact of integrated urban geographic factors (IUGFs) on clustering urban centers of Kolkata. **Cities**. Vol: 74, pp: 142-150.
48. Pokharel, S. (2014). **EVALUATION AND DEVELOPMENT OF LIVABILITY AND SUSTAINABILITY PROGRAMS FOR INDIAN RESERVATIONS**. A thesis submitted to the Civil & Architectural Engineering and the University of Wyoming in partial fulfillment of the requirements for the degree of MASTER OF SCIENCE in CIVIL ENGINEERING
49. Rezaporian,, P., Abbaszadegan,, M., Modiri, A. (2013). Enhancing the Quality of Urban Space by Pedestrian Grid Design Using Space Syntax Technique: A Case Study of the Historical Neighborhood of Jolfa in the City of Isfahan (Iran). **Journal of Innovation and Applied Studies**. Vol: 4. No: 1, pp: 141-154
50. Rosaa, D., Takatori,C., Shimizu, H., Privitera, R. (2018). A planning framework to evaluate demands and preferences by different social groups for accessibility to urban greenspaces. **Journal of Sustainable Cities and Society**. Vol: 36, pp: 346–362
51. Ruth, M., Franklin, R.(2014). Livability for all? Conceptual limits and practical implications. **Journal of Applied Geography**. Vol: 49. pp: 18-23
52. Shaery, A. (2017). Embedding the Dimensions of Sustainability into City Information Modelling. The journal of World Academy of Science, Engineering and Technology. **International Journal of Civil and Environmental Engineering**. Vol: 11. No:4, pp: 1- 6
53. Shahidipour, M.(2015). **Evaluation of Civic Vitality in Urban Squares: Case of Selimiye and Namik Kemal Squares**. Submitted to the Institute of Graduate Studies and Research in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Science in Urban Design. Eastern Mediterranean University

54. Sharifi, E., Sivamb, A, Bolandc, J.(2017). Spatial and activity preferences during heat stress conditions in Adelaide: towards increased adaptation capacity of the built environment. **Journal of Procedia Engineering**. Vol: 180, pp: 955 – 965
55. Shrestha, S. (2011). **THE VITALITY OF PUBLIC SPACE: CONSIDERING VITALITY**. MSc Thesis Landscape Architecture and Planning Specialization Socio-spatial Analysis. Wageningen University and research Centre Department of Environmental Sciences Socio-spatial Analysis Chair Group.
56. Sihombing, A., Dewanti, H. (2018). **Space Sharing Between Formal and Informal Sectors** In Kemang Area. IOP Conference Series: Earth and Environmental Science
57. Sonne, W. (2009). Dwelling in the metropolis: Reformed urban blocks 1890–1940 as a model for the sustainable compact city. **Journal of Progress in Planning**. Vol: 72, pp: 53–149
58. Sugino, Y. (2018). Bare Life, Bare Architecture: Deconstructing the Violence of Architecture in Al-Khalil, Palestine. Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree OF Bachelor's. Goucher College
59. Sung, H., Lee, S. (2015). Residential built environment and walking activity: Empirical evidence of Jane Jacobs' urban vitality. **Journal of Transportation Research Part D**. Vol: 41, pp: 318–329.
60. VanZerr, M., & Seskin, S.(2011). Recommendations Memo #2 Livability and Quality of Life Indicators. . Oregon: CH2M HILL
61. Verissimo, R. (2016). Public space and safety The conditions for city diversity as tool for crime prevention. **Conference: Jane Jacobs 100: Her legacy and relevance in the 21st Century**, TU Delft, The Netherlands
62. Wendt, M.(2009). The Importance of Death and Life of Great American Cities (1961) by Jane Jacobs to the Profession of Urban Planning. **Journal of New Visions for Public Affairs**. Vol: 1, pp: 1- 26
63. Wylie, S. (2017). **Living in Place: A Study of Vitality through Sense of Place**. Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of MASTER OF ARCHITECTURE Department of Architecture Golisano Institute for Sustainability
64. XU, C. (2014). **THE OCCCCCTIONS BETEE EN LHHHH'S FORR METHOSS OF ISSSSSS SGG PPPP TBBILITY DDD FOTT OO TTH'S BBBNN VILLAGES PROGRAM**. Presented to the Faculty of the Graduate School of The University of Texas at Arlington in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of MASTER OF LANDSCAPE ARCHITECTURE THE UNIVERSITY OF TEXAS AT ARLINGTON.
65. Zaidin, N., Hussain, M., Tukiman, I., Shahli, F. (2016). Place Attachment in Relation to Urban Street Vitality. International Transaction. **Journal of Engineering, Management, & Applied Sciences & Technologies**. 7 (1):
66. Zhang, X., Li, H. (2018). Urban resilience and urban sustainability: What we know and what do not know. **Cities**. 72: 141–148.
67. Zidansek, A. (2007). Sustainable development and happiness in nations. **Journal of Energy**.32: 891–897.